

## درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

۳- نقش مخرب دین در انقلاب مشروطیت

درباره رویداد های اوایل قرن بیستم در کشور ملیکی از پرسشهایی که هنوز مطرح میباشد اینست که کدام عوامل اساسی شکست انقلاب مشروطیت را فراهم آوردند؟ البته بسیاری از نویسندگان و مورخین چگونگی شکست انقلاب مشروطیت را مورد بررسی قرار داده اند و فرضیه ها و نظریات فراوانی ارائه شده است، اما مرد مورهبیران عمل نتوانسته اند از تجربیات تلخ ولی پراورش آن دوران بیاموزند تا بتوانند رهنگا هر و برودن با بحرهای او را مایشملی بعد بقیه در صفحه ۲

## چه کسانی از جنگ ایران و عراق بهره می جویند؟

(مقاله وارده از : هوشنگ رزم آرا)

اخیرا نامه ای از آقای هوشنگ رزم آرا نویسنده مقاله "چه کسانی از جنگ ایران و عراق بهره می جویند؟" دریافت نمودیم. عین نامه ایشان در صفحه ۷ رج شد. مقاله ای که ملاحظه میکنید در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۲ به رشته تحریر درآمده. اما بگفته نویسنده "چون هنوز بعد از قریب به ۳ سال از انتشار مقاله حقانیت مطالب گفته شد محرر گردیده" از ما تقاضا کرد. ما ندانیم که مقاله را در آزاد ای ایران منعمک کنیم.

هیئت تحریریه آزاد ای ایران با وجود اینکه قسمتهایی از مطالب مقاله و همچنین نحوه انبوه آفای رزم آرا در چندین مورد موافق نیست، اما بعلت احترام به آزادی قلم در رج مقاله مبادرت میورزد.

هیئت تحریریه آزاد ای ایران  
بقیه در صفحه ۷

## نوروز و هویت ملی!

با وجود اینکه رژیم فاشیستی - مذهبی خمینی از همان آغاز دشمنی کینهتوزانه ای نسبت به تاریخ فرهنگ، آداب و رسوم، زبان و ادبیات ما ابراز داشته و نهایت درجه کوشش بکاربردناست تا ملت ایران را بی هویت کند، مرد مبه مقاصد و برخاسته و بشرق مختلف سعی نمودند تا از این امر جلوگیری کنند. هنگامیکه رهبران رژیم اسلامی شاهنامه معزیز را "طاغوتی" شمرند و اشعار فردوسی بزرگ را از کتب درسی حذف کردند، مرد ما بیشترین بهارزش شاهنامه مهربانند هنگامیکه عوامل رژیم از جمله صادق خلخالی در نظر داشتند تخت جمشید و سایر آثار باستانی را تحت عنوان "آثار طاغوتی" ویران کنند، بسا بقیه در صفحه ۹

## آیاتنهار وابط اقتصادی می تواند دلیل وابستگی سیاسی باشد؟

صرفا روابط اقتصادی با غرب را در نظر گرفتند و آنرا نشانه "آمریکایی بودن رژیم" محسوب داشتند، بسیار غیر واقع بینانه و يك حائبه به نظر میرسد. متاسفانه بخشی از ایو بیسیون خارج از کشور نیز را این مورد مواضع مشابهی اتخاذ کرده و نظرات مشترک بقیه در صفحه ۸

با انعقاد این قرارداد بلافاصله برخی از احزاب و گروهها با بد نظر داشتن منافع و مقاصد خاصی آنرا دلیل وابستگی بیشتر رژیم جمهوری اسلامی به آمریکا قلمداد نمودند. البته وجود قرارداد های بازرگانی و معاملات تجاری رژیم در زمینه های گوناگون با برخی از کشورهای غربی برکسی پوشیده نیست بولسی

بد نبال سفر حسین موسوی نخست وزیر رژیم خمینی به ترکیه در ماه گذشته قرارداد اقتصاد و تجاری مهمی بین ایران و ترکیه منعقد شد که به قول موسوی "در میان کشورهای اسلامی بی نظیر است". بدین ترتیب روابط اقتصادی ایران و ترکیه تا این تاریخ به بالاترین سطح خود رسیده است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

## درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کرده و در رفع کمبودها و نواقص بکوشند. در این میان شبح سیاهی که از همان ابتدا سایه مخرب خود را بر انقلاب مشروطیت افکند و مهرش را بر سر لوحه قانون اساسی و اصول مند رج در آن نهاد، همانا در حالت دین را مورسیاس مملکت بود. این تاثیر باند ازهای بود که نه تنها اکمر انقلاب مشروطیت را در همان اوان شکست، بلکه زمینه‌های ایجاد یک حکومت مذهبی فاشیستی را در ۷۰ سال بعد نیز فراهم آورد. اگر با واقعیتی به رویداد های آن دور توجه شود، مشاهده میگرد که انقلاب مشروطیت بوسیله آخوند ها و روحانیون رهبری شد و آخوند مشهورینا سید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبائی از ابتدا ای تظاهرات و دست نشینی ها نقش رهبری کنند و پیشوائی را بر عهد داشتند. امروز هنگامیکه با سامی و نقش صد ها آخوند عا م مبر و عقب ماند های که در آن دوران پیش از این مرد مقرر گرفته و خود را بر جنبش مشروطیت تحمیل کرد بودند، مینگریم، نباید تعجب کنیم که چرا انقلاب مشروطیت شکست خورد. اگر در اوایل مشروطیت نیروهای مذهبی و آخوند هائی بودند که از جنبش مرد مطرفداری میکردند، با حادث شدن تضاد ها و رشد مبارزات و وروشدن با این واقعیت که اسلام مومذ هب هنگامی که در سر نوشت سیاسی کشور خالت کند با آزاد ی و مشروطیت به مقابله بر میخیزد، مجبور گردیدند در سنگرمبارزها استبداد، مذهب و عا م را بسد و ر افکنند. بطوریکه شاد روان احمد کسروی میگوید "همان پیش نمازان نیز کم کم ویکایک کنار گرفته رفتند، و نماند در میان مشروطه خواهان مگر آنانکه بیکیار از پیشه ملایی و ازد آمد و شکوه آن چشم پوشیدند، و یکسره به آزاد ی خواهان پیوستند. همان حاجی میرزا ابوالحسن نیز با آنکه تا چندی گشاد دست بسیار کرد و در سایه پشتیبانی آزاد ی خواهان شناختگی یافت با از پیشه خود دست برداری نتوانست، و پس از زمانی اونیز کنار گرفته و خواهیم دید که چند سال در بتر چده شفعی بزرگی با مشروطه، بلکه کشور نشان داد." (۱) البته نقش رهبری مذهبی در سر نوشت سیاسی ایران همانگونه که در بخش گذشته اشاره شد. از سابقه طولانی برخوردار بود. اما پس از شکست قیامهایی ها و قتل امیر کبیر نیروهای مذهبی اکثریت بد و گروه مشخص، تقسیم شد. گروهی هوا خواه روسیه تزاری بودند و گروه دیگری طرفدار انگلیس، و این دو کشور بعنوان دو قدرت بزرگ استعماری و سلطه گرا زمین امر برای نفوذ در ارگانهای سیاسی و دولتی استفاده میکردند. بدین ترتیب در او اخر قرن نوزدهم کشمکشهای دامنه دار و وسیعی برای استفاده و بهره برداری از عوامل مذهبی و روحانی بین روسیه و انگلستان روی داد. در سال ۱۹۰۰ حکومت مظفرالدین شاه پس از دریافت وامی بمبلغ ۲۲۵۰۰۰۰۰ روپل و شایعه وام در

روسیه بمبلغ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰ روپل ناراضی مرد مرا فراهم آورد. عوامل مذهبی و روحانی با پشتیبانی انگلیس فوراً دست بکار شدند. در دوره فوریه کنسول یاران انگلیس مستر گریمپایکی از مجتهدان اعلم سید عبد الله بهبهانی، از دوستان قدیمی انگلیسی ها، دیدار کرد. . . . . هنگامیکه گریمپا از او پرسید آیا سید عبد الله مخالفت خود را با آن و تصمیم علما رانسیست به ممانعت از چنین استقراضی بیان میکند و میگوید اشکال کار در این است که بعضی از روحانیون بزرگ اند و برخی رشوه خوار. او برای همدستان کردن آنان نیازمند پول بود و میخواست مطمئن شود که اقدامات آنان از طرف انگلستان مورد قدر دانی واقع خواهد شد و میگفت که در این مورد در حفظ مصالح انگلیس و ایران یکسان عمل میکند. " (۲) . . . کنسول یاران انگلیس و سید عبد الله بهبهانی در و باره در ۲۳ فوریه بهم نشستند. . . سپس بهبهانی از لزوم اقدام دست جمعی علماسخن میگوید و متذکر میشود که بسایند ما موران مخفی به مشهد فرستاد و بهرشت و نجف و اصفهان و شیراز، زیرا آخوند ها در این نقاط آماد ه اقدام اند. و برای مخارج ایاب و نهاب پول لازم است. . . گریمپا پاسخ میدهد که وزیر مختار این نیازمند رایجش بینی، کرد ه و مبلغ ۲۵۰ تومان فرستاد ه است و سپس پول را بر سید عبد الله میدهد. و بر اساس این تفاهم که هر اقدامی باید موافق باشا مهرستی و دولت خواهی باشد. سید پول و ریاکاری هسر در و را میبذیرد و میگوید: البته مگر در دیگری بر روی ما با زاست. . . سید گفت که حتی فکروصول رسید پول را از این و آن نباید به خاطر راه داد. این مطلب که خارجیها به این نهضت علاقه دارند باید کاملاً مخفی بماند و اگر نه بعضی مردمان خواهند گفت "شما ما را از دست عد های از کف زحمت میدهد تا تسلیم عد دیگری کنند." (۳) و سیدی (سید عبد الله بهبهانی، سید محمد طباطبائی) گشاد روان احمد کسروی در کتاب "تاریخ مشروطیت ایران" به نیکی یاد کرد و آنانرا ملاهای موافق و آزاد ی خواه معرفی مینماید، پس از اینکه متوجه میشوند که آزاد ی کامل مطبوعات و غیر مذ هبی کردن عد لیه و جلوگیری از دست نشینی، مذهب و خالت آزاد را مورسیاسی تضعیف خواهد کرد و از اهمیت و نفوذ روحانیون خواهد کاست به مخالفت برخاستند. بطوریکه سید محمد طباطبائی گفته بود: که ایرانیان قرآن را دارند و اگر توجه شود خواهند دید که کلیه قوانین غربی از قرآن گرفته شده است. البته کسروی در قسمت دیگری از کتاب در باره نقوش ملایان این چنین سخن میگوید: یک تیر مبرگتر دیگری ملایان میبودند که پیشگامی راهم با نمان بگردن گرفتند. اینان همه در دسته میبودند: یک دسته شاد روانان بهبهانی و طباطبائی و همراهان ایشان و . . . بودند. . . و در همان حال معنی مشروطه را چنانکه سپس دیدند و

بقیه: در باره ماهیت . . .

د انستند نمیدانستند و آن را بد انسان که در اروپا بود، نمیطلبیدند و خود از کشور آری و جگونی پیشرفت تود هوا بگونه اندیشه‌ها بسیار د ورمیبودند. بیک سته د بگری معنی مشروطه را هیچ ندانسته و بکشور تود همد لبستگی نمیدانستند و د آمدنشان بمشروطه خواهی به آرزوی رواج " شریعت" و پیشرفت د ستگاه خود شان میبود، و خواهیم دید که اینان سپس عنوان " مشروعه" را بمیان آوردند و د بریازود از میان مشروطه خواهان بکار رفتند. این حال پیشروان بود. ( ۴ )

نفوذ رهبران مذ هبی و تفکر مذ هبی د مبارزات سیاسی و آزادی خواهان بقدری نبود که آنان نمتنهار هبیری خود را با توسل به خرافات مذ هبی بر مردم تحمیل نمودند و جمله از کرسی های مجلس را د دست گرفتند بلکه د رتد وین قانون اساسی و متمم آن اصول مذ هبی خود را نیز گنجانند که میاد ا به مشروطه مشروعه و شریعت مبین خللی وارد گرد د. سرد سته را کاران مذ هبی شیخ فضل الله نوری بود که با سرسختی با آزادی مطبوعات مخالفت میکرد و تمام کوشش خود را بکار برد که د قانون اساسی علاوه بر کلمه مشروطیت کلمه مشروعه نیز آید و شود و با اتفاق سایر آخوند های موافق اصل د و ماز متمم قانون اساسی د اثر بر اینکه کلیه قوانین میبایست با موافقت و نظر کامل ه تن از آخوند ها و فقها باشد را تد وین کرد. شیخ فضل الله نوری د شمن بزرگ مشروطیت و آزادی بود و لحظه ای از تلاش د ر این راه دست برنداشت. د ر این میان نیاید نقش روشنفکران و نیروهای غیر مذ هبی را نیز از نظر د ورد اشت. با کمال تاسف باید گفت که آنان همانند اخلاف خود د ۷۰ سال بعد کوشیدند عقاید و نظرات خود را د ریاس و غالب مذ هبی جلوه دهند و برای هر خواسته خود دست بد امان اسلام مود هب میشدند. آنان مانند برخی از " روشنفکران" امروزی میکوشیدند با آوردن سوره های از قرآن، آزاد ی خواهی و عدالت را برقرار سازند. تمام کوششهای آنان از این راه و با این روش عبث و بیبهره بود و نتایج انقلاب مشروطیت و شکست کامل آن نشا د داد که نمیتوان با اتکا به قرآن و اصول مذ هبی آزادی، عدالت و برابری را برای ملت ایران با رمغان آورد.

#### ۴- نگاهای بر قانون اساسی مشروطیت

قانون اساسی ۱۳۲۴ هجری قمری انقلاب مشروطیت ایران با الگو برداری و دست کاری د قوانین اساسی بلژیک و فرانسه تد وین گردید. با این تفاوت که رهبران مذ هبی د رتد وین قانون اساسی و مذ هبی نمودن آن استعداد شگرفی از خود نشان داد و هواز هیچ کوششی فرو گذار نکردند. قانون اساسی ایران آنگونه طرح گردید که لایک و غیر مذ هبی نباشد، بلکه بر تارک خود مهر اسلام د رمحتوی و

اصول آن اهداف و کاراکتر مذ هبی آخوند های چون شیخ فضل الله نوری نقش بسته باشد. قانون اساسی مشروطیت با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز و " اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله" د ر اولین خطوط آن منظور گردید. این امر عطش سیری ناپذ آخوند ها را بر طرف نکرد و شیخ فضل الله نوری برای اطمینان خاطر پیشنهاد متمم قانون اساسی را نمود، تا قانون اساسی را کاملاً منطبق با " شریعت" نماید. باید دیرفته شدن پیشنهادات ارتجاعی شیخ فضل الله قانون اساسی برد خالت دین د را مورسیاسی و سرنوشت مردم مصحح گذارد. طبق اصل د و متمم قانون اساسی " مجلس شورای ملی . . . باید د رهج عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت الانام صلی الله علیه و آله و سلمند اشتها شد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلام میبهر عهد علمای اعلام امام الله برکات وجود همیبود و ههست لهذا رسماً مقرر است د ره عصری از اعصار، هیئت که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین . . . اساسی بیست نفر از علما . . . معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را . . . با اتفاق یا بحکم قرعه تعیین نمود و بسمت عضویت بشناسند تا مواد بیکه د مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و فوررسی نمود هه ریک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این هیئت علماء د ر این باب مطاعومیت خواهد بود و این ماد هتا زمان ظهور حضرت حجه صدر . . . تغییر پذیر نخواهد بود. ( ۵ ) آیا این یک برنامه حساب شده از جانب قدرتهای بزرگ خارجی آن دوران نبود تا بتوانند با قرار دادن آخوند د رصد مجلس ملتی را د ریند نگهدارند؟ جای تعجب نیست که چگونه د ۷۰ سال بعد د ۱۰ نیز همین اصل را با کمی تغییر بصورت یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی د ر آورد و طرح یک حکومت اسلامی را بر پایه ولایت فقیه مرحله اجرا گذارد. و برای " پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی" ه تن از آخوند ها را بعنوان " فقهای شورای نگهبان" تعیین و موظف نمود. بطوریکه د ر اصل نمود و سوم نبود و چهارم را برآز کرد که: مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. . . . و کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاد ه شود. شورای نگهبان موظف است آنرا حد اکثر ظرف د روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند، د ر غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است. ( ۶ ) بدین ترتیب " فقهای ششوزای بقیه د صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱  
**نوروز و هویت ملی!**

وجود جوخه‌فغان و سرکوب، و اکثراً بقصری سریع و شدید بود که آنان را مجبور به عقب نشینی و سکوت نمود. و هنگامیکه آنها نوروز را نیز تغییر اسلامی دانستند، مردم حساسیت بیشتری نشان دادند و نوروز باستانی و زیبا را گرامی تر و عزیزتر شمرده و در برگزاری مراسم آن در بین خانواده‌ها و سواست و وقت بیشتری بخرج دادند. نوروز روزی است که هزاران سال مردم باقصی نقاط ایران، حتی مردم در افتادترین شهرها و دهکده‌ها این روز را جشن میگیرند. رسمی است کهن که در طول تاریخ بصورت بزرگترین جشن ملی درآمده است و همبستگی، صفا، دوستی و محبت را برای مردم مابارمغان میآورد.

امروز در شرایطی ما نوروز را جشن میگیریم که ایران عزیز ما در رند است و عدلت جنگ خانمانسوز و فرسایشی ایران و ایران کن مردم ما در زیر بمبارانها و صفیر آذیرهای هواپیما در کنار عزیزان و کودکان بیگناه و وحشت زد روزهای بسیار سختی را میگذرانند. بخصوص در مناطق جنگ زد و همزوی و کردستان عزیز که میلیونها تن از هموطنان ما در رید و آواره شده‌اند و خانه و کاشانه آنها ویران گردیده و بسیاری نیز کشته و مجروح گشته‌اند. بیش از سایر نقاط ایران در زیر بمبارانهای هوایی شلیک خمپاره‌ها و موشکها - در حالیکه عزیزان و کودکان را بسینه میفشارند تا شاید آنان را از گزند مرگ نجات بخشند تا آسیب دیدمانند. از طرفی هزاران هزار تن دیگر از هموطنان ما نیز مجبور به جلای وطن شده و در کشورهای مختلف جهان پراکنده گشته‌اند و باغم وری از ایران و آرزوی بازگشت زمان را سپری میکنند. آهای ایران چه بر سر تو آمد و فرزندانت بچه‌روزی افتادمانند؟ در این حال نوروز فرامیرسد. نوروزی که یادآور شادی و امید است. و هر فرد و هر خانواده ایرانی در هر کجا و در هر شرایطی که بسر

میرد نوروز را جشن میگیرد. آری ما نوروز را جشن میگیریم زیرا نوروز روز همبستگی ملی ما است. روزی است که ملت ایران تاریخ پر از فراز و نشیب و کهن خویش را مروری میکند و میدانند که فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم و زبان و ادبیات ایرانی یعنی هویت ملی او ریشه در رازنده و داشته و از مبارزات و هستی و بلندبهای فراوانی گذر کرده و از آزمونهای بسیار سر بلند بیرون آمده و از زمین نرفته و نخواهد رفت. امیدمانند که چندین هزار سال رنج و زحمت، تلاش و مبارزه مردم ایران بصورت فرهنگ و تمدن، ظرف و بزرگ توانسته است خدمات ارزنده‌ای را به تمدن بشری عرضه کند و حمله‌های اعراب و مغول نیز نتوانسته آنرا از زمین ببرد و البته همانگونه که نمیتوان گفت که بهیچرا زمین خواهد رفت و دیگر بهیچرا نخواهد بود. تا بهاران وجود دارند نوروز نیز برقرار خواهد بود. و تا نوروز زنده است ایران و مردم پایدار خواهند بود. بنابراین این، نمونانده جانکاهی که بر مردم میهن ما مستولی شده، مانند زمستانی سخت اما کوتاه در تاریخ کهن و طولانی ایران گذران خواهد بود. در این روزهای سخت و دشوار در نوروز باستانی با همبستگی ملی، با اتحاد و محبت و دوستی، کدورتها را فراموش کرده از نفاقها و چنند دستگیهای مصنوعی که در دشمنان مردم ایران و آزادی ایران بوجود آورده‌اند، پرهیز کنیم و راه آزادی ایران متحد شویم. نگذاریم که اختلافات جزئی و فرعی عصبه مردم ایران را در مقابل رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی تضعیف کند. نوروز عزیز را گرامی بداریم و آنرا به جشن بزرگ همبستگی ملی بر علیه رژیم استبداد کنیم. باشد که جنگ هر چه زودتر خاتمه یابد و رژیم خمینی سرنگون شود و آزادی و بهر روزی در ایران برقرار گردد. □



بقیه از صفحه ۱۴

ایران، در ماهی ۰۰۰

سوریه، لیبی و الجزایر بیدار خواهد نمود. طبقه خیر روزنامه‌های رژیم (کیمهان ۲۶ اسفند ۶۳) سفیر جمهوری اسلامی در لیبی با قذافی دیدار میکند و در این ملاقات روابط عالی و دو جانبه پیوند های مشترک در کشور و آخرین تحولات جنگ و منطقه مورد گفتگو قرار گرفته و قذافی حمایت و پشتیبانی لیبی را از انقلاب اسلامی مجدداً مورد تأکید قرار میدهد.

و بالاخره شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور خاتمه جنگ و قطع بمباران شهرها قطعنامه‌ای صادر مینماید و در آن رژیم سرورث فوری ترک مخاصمه و سنوان آغاز کار قطع حملات هوایی علیه هدفهای صرفاً غیر نظامی و نقاط متمرکز جمعیت به منظور دست یافتن به راهی برای تحقق صلح آمیز جنگ که با منشور ملل متحد و قوانین بین المللی منطبق بود" و برای طرفین قابل قبول است، تأکید مینماید. انعکاس این حملات و تشدید پسند جنگ و عوارض آن خشم و نفرت بحق مردم را از رهبران رژیم خمینی سبب گردیده است و موجب مخالفت با آنان و با ادامه جنگ از یک طرف و شکستهای اخیر نیروهای جمهوری اسلامی موجب شده است که مسئولین رژیم از موضع ضعف عمل نمایند و بدنبال برتری آشکار نیروهای هوایی عراق، بسیاری از رهبران رژیم متوجه شده‌اند که دیگر شمارهای "جنگ، جنگ، تا پیروزی" و "جنگ، جنگ تا رفع فتنه" محلی از اعراب ندارد و بناچار هر یک، به گونه‌ای این ضعف را آشکار میسازند. خمینی که در ریما نوروزی اش گفته بود برای ما جنگ بهتر از صلح است، با توجه به واقعیات ملی سخنانی در جمع از مسئولین مطکسی میگوید: "پیروزی و ساخت در جنگ مساله مهم نیست" و آنرا یک "امر الهی" و "مشیت"

بقیه از صفحه ۱

آیاتنهار روابط اقتصادی ....

در قبال این مسئله ارائه نمود هاند در صورتی که همزمان در مورد اد امسفر موسوی به کویا و نیکارا گوته اکثر گروهها و جریانات سکوت مطلق را حفظ کرد و برای وی و تفسیر و بررسی از کنار آن گذشتند. این بی اعتنائی و سکوت پدید محجیبی نبود و نمیتوانست تصادفی باشد. اما برای افراد صادق و بیغرضی که با واقع بینی مسائل و رویدادها را در اخلی و بین المللی را تعقیب می نمایند، این سوال مهم مطرح میشود که آیا تنهار روابط اقتصادی کشورهای همیشه در تحت هر شرایطی دلیل وابستگی سیاسی آنان میگردد؟ قبل از پرداختن به این پرسش توجه به خوانندگان عزیز را به برخی از مواضع سیاسی رژیمها کشورهای مختلف جلب میکنیم.

پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و دخالت در امور اخلی کشورهای دیگر تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی، در منطقه خاور میانه کشورهای طرفدار غرب با خطر تشنگت و بی ثباتی مواجه شدند. دخالت رژیم در امور اخلی لبنان و اعزام عوامل خود به آنجا مثال زند های است. همگان میدانند که این امر تنها مختص به لبنان که از شرایط حساس و ویژه ای برخوردار میباشد نیست، بلکه سایر کشورهای عربی مانند عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات متحد عربی، مصر، تونس، مراکش و اردن و ... همه بدون استثنا هدف حملات تبلیغاتی رژیم خمینی قرار گرفته اند. رژیم جمهوری اسلامی با اعزام سرسپردگان خود به برخی از این کشورها در ایجاد آشوبهای اخلی و تهدید دولتهای آنها به فعالیتهای تخریبی دامن داری مشغول شده و با تقویت گروههای ظاهر اسلامی و طرفدار خمینی از آنان حمایت میکند. بدین ترتیب خطری که کشورهای طرفدار غرب در منطقه را از جانب رژیم ایران تهدید میکند باعث

ایجاد جبهه گیری این کشورها در مقابل ایران گشته و مخالفت همه کشورهای فوق را با ایران برانگیخته و سبب پشتیانی آنان از نظرات انسانی، مالی و معنوی از عراق در جنگ با ایران شده است.

### روابط ایران با سوریه و لیبی

حال باید نظر داشت در استان عراق باید دید در استان جمهوری اسلامی در منطقه چه کشورهایی هستند و روی چه اصول و منافع مشترکی با یکدیگر همبستگی دارند؟ کشورهای سوریه، لیبی و یمن جنوبی بی پرده و از همان ابتدای استقرار جمهوری اسلامی، حمایت خود را از رژیم ایران نمودند و عملاً با موضع گیریهای سیاسی و اقدامات عملی در کنار ایران قرار گرفته اند. با آغاز جنگ ایران و عراق، سوریه با بستن لوله نفت عراق که از خاکش عبور میکرد - که آنرا عملی کاملاً سیاسی میدانست - نزدیکی خود را به ایران به اثبات رساند. به دنبال این عمل رژیم جمهوری اسلامی با انعقاد قرارداد برای مدت ۱۰ سال اقدام به فروش نفت ارزان قیمت به آن کشور نمود. و هر سال "ایران برای حمایت از نبرد علیه اسرائیل یک میلیون تن نفت خام به سوریه هدیه میکند". در مقابل سوریه نیز با حمایت خود و برآوردن احتیاجات مختلف رژیم در جنگ با عراق همسوی خود را با رژیم اسلامی نشان میدهد همچنین سوریه با یگانهای قابل اطمینانی برای عبور عوامل اعزامی رژیم خمینی به لبنان است. برپایه چنین روابط نزدیکی و حسنه ای بود که وقتی در سال ۱۹۸۲ (طبق گزارش) خبر گزاریهای مختلف مسلمانان سوریه بر علیه رژیم حافظ اسد شورش کردند و مسعود سرکوب و جیشیان ارتش قرار گرفته و هزاران تن از آنان کشته شدند، در قبال این وضعیت و با در نظر گرفتن تبلیغات رژیم در مورد حمایت از جنبش های اسلامی، در روابط ایران و سوریه کوچکترین خللی بوجود نیامد. البته

جای تعجب نیست زیرا بر طبق گفته یکی از مقامات بلند پایه سوریه بنام محمد حیدر رئیس امور خارجه حزب بعث سوریه و اقلیات رزقه این در کشور اینگونه توصیف میشود: "دوستی ما (با ایرانیان) تنها روی پایه سیاسی است نه مذہبی" و ادامه میداد از نظر سوریه جمهوری اسلامی ایران دارای موضع گیریهای مفرق است.

ببینیم نزدیکی ایران و لیبی بر چه پایه ای استوار است؟ لیبی حمایت خود را از قول وزیر امور خارجه خود به این صورت بیان میکند: "ما یقین داریم که انقلاب اسلامی ایران با تمام توطئه های که از جانب آمریکا و عواملش در منطقه سرچشمه میگردد، پیروز خواهد شد و تاکید ما بر همبستگی لیبی با ایران ناشی از اعتقاد ما به انقلاب اسلامی ایران است." و در جای دیگر میگوید: "ما هر دو کشور را در یک سنگر، بینیم" و "جوه مشترک بین دو کشور میتواند در زمینه مسائل سیاسی منجر به هماهنگی و اقدام مشترک در مورد مسائل آمریکا و خاور میانه بشود".

در سطح جهانی نیز دوستان سیاسی ایران زیاد نیستند. اما حمایت کویا و نیکارا گوته و ستایش آنان از "انقلاب اسلامی" را چگونه میتوان توجیه نمود؟ گفته معروف یکی از مقامات بلند پایه کویا در سفر خود به ایران که: "اگر اسلام این است، زند های اسلام" فراموش نشد است. در انیل اورتگا رئیس جمهور نیکارا گوته نیز از "انقلاب اسلامی و ارزشهای نوینی که در تاریخ بشریت پدید آورد" سخن میگوید و به مداحی از رژیم اسلامی میپردازد. و حسین موسوی نیز در سفر اخیر خود به آن کشور چنین ابراز میکند: "ایران و نیکارا گوته در زمینه سیاسی در سازمانهای بین المللی با یکدیگر هماهنگی خوبی دارند." سوالی که مطرح است این است که روابط نزدیک و دوستانه رژیم اسلامی

بقیه از صفحه ۵

## آیاتنهار روابط اقتصادی ...

خمینی، با کوبا و نیکاراگوئه مرز مبنای متکی است و آنرا چگونه باید تعبیر و تفسیر نمود؟

## روابط ایران و ترکیه

در يك روابط اقتصادی، سیاسی، ایران و ترکیه به دلیل مختلف برای بسیاری از مزایم مشکل است. اما با توجه به سوابق جمهوری اسلامی و ترکیه و سیاستهای داخلی و خارجی، هر دو کشور، همچنین در نظر داشتن منافع آنان در مورد روابط اقتصادی با یکدیگر، مسئله چندین بفرنج و د شواری نیست. ترکیه که عضو پیمان ناتو می باشد. علی رغم اهداف سیاسی مختلف و متضادی که با جمهوری اسلامی ایران دارد، از او با حکومت نظامی ژنرال اوون در جهت بسط و گسترش روابط اقتصادی و تجاری با ایران گامهایی برداشته و این روابط در چند سال اخیر رونق بیشتری یافته است، تا اینکه مسال ایران و ترکیه با بستن قرارداد ۳ میلیارد دلاری بزرگترین قرارداد تجاری، اقتصادی را منعقد کردند. هم زمان روابط ترکیه و عراق هم رونق پیدا نمود، با اینکه بعد از ایران، عراق بزرگترین کشوری است که ترکیه با آن روابط تجاری و اقتصادی دارد. در حال حاضر از لوله نفت عراق که از خاک ترکیه میگذرد، در حدود یک میلیون بشکه در روز بد ریای مدیترانه در سال و از آنجا به نقاط مختلف جهان صادر میگردد. این مقدار تقریباً کل صادرات نفت عراق به خارج را شامل میشود و به اقتصاد ترکیه نیز کمک میکند. در اواسط سال جاری کار ساختن دومین لوله نفت عراق شروع خواهد شد و از طریق این لوله از اوایل سال ۱۹۸۶ (روزانه بین ۵۰۰/۰۰۰ الی ۷۰۰/۰۰۰ بشکه نفت خام از ترکیه عبور خواهد کرد که در هر هفته به ۱/۵ میلیون

بشکه در روز بالغ خواهد گشت. مشاهده میشود که روابط ترکیه با ایران و عراق بر پایه منافع اقتصادی متقابل، مبتنی است و بعلمت احتیاجی که برای بهبود وضع اقتصادی، هر سه کشور بدان نیازمندند.

البته نکته ای را که نمیتوان از نظر برداشت اینست که در استان سیاسی و نزدیک رژیم جمهوری اسلامی قادر نیستند اکثر احتیاجات اقتصادی او را بر آورده کنند. برای مثال نیکاراگوئه که کشوری است فقیر، مسلمان نمیتواند منشاء سودی برای رژیم اسلامی باشد، زیرا در مقابل شکر، گوشت و ادویه وارداتی از نیکاراگوئه صادراتی چون نفت خام و محصولات پتروشیمی و کالاهای ساخته شده نمیتواند برای ایران بعنوان مبادله مقرون به صرفه باشد. این يك واقعیت است که رژیم ایران در وضعیت قرار دارد که بعلمت مخارج سرسام آور و کمر شکن جنگ و مشکلات مادی دیگر و کمبود ارز خارجی، فشارهای سنگین، را متحمل بوده، در نتیجه هر چه بران رژیم مجبور به اتخاذ سیاستهای در زمینه اقتصادی هستند که چاره های جز نزدیکی و برقراری روابط اقتصادی با کشورهای، که از نظر سیاسی با موضع آنها مخالفند، ندارند. پس برای رهایی از مشکلات عظیم اقتصادی به کشوری چون ترکیه یا سایر کشورهای غربی روی میآورد.

در عین حال انعقاد قراردادهای بازرگانی متقابل برای طرفین سودمند می باشد و به تثبیت موقعیت رژیم کمک میکند تا از این طریق، بیشتر برمسند قدرت باقی بماند.

در سطح بین المللی نمونه های زیادی وجود دارد که علو، رغم وجود روابط اقتصادی کشوری با کشورهای

دیگر، این روابط دلیل وابستگی سیاسی نمیتواند باشد. کشور اتیوپی نمونه بارز دیگریست. این کشور به علت بحران اقتصادی وحشتناک و قحطی و گرسنگی مجبور است که روی بسوی کشورهای غربی آورد. آیا اینگونه روابط اقتصادی دلیل آن است که اتیوپی از نظر سیاسی وابسته به آمریکا است؟

نمونه دیگر کشور لهستان می باشد که مبالغ هنگفتی به فرب مقروض است اما آیا کسی میتواند مدعی شود که این کشور آمریکایی است؟

با در نظر گرفتن مطالب و نمونه های ذکر شده قضاوت صحیح و واقع بینانه حکم میکند که نمیتوان همیشه و بطور یکجانبه نتیجه گرفت که روابط اقتصادی تحت هر شرایطی، موجب وابستگی سیاسی شود. این امر در مورد رژیم جمهوری اسلامی نیز صادق است.

البته لازم به تاکید است که داشتن روابط اقتصادی بین کشورها در شرایط مشخص، میتواند وابستگی بوجود آورد و این نکته به نوع روابط موجود بین طرفین و عوامل بسیار دیگر نیز بستگی دارد.

در مورد رژیم ایران که اقتصادش متکی به درآمد تک محصولی نفت است، مسئله بشکل دیگری مطرح میگردد. اما بطور کلی آنچه حائز اهمیت فراوانی است روابط سیاسی شش سال گذشته رژیم اسلامی در زمینه سیاستهای داخلی و بخصوص موضع گیریهای سیاسی مشترک و هم آهنگ رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر است که میتواند مبادرشناخت از روابط و اهداف وی کمک نماید. تا هر چه بیشتر بتوانیم از نقش واقعی رژیم در صحنه بین المللی

آگاه گردیم □

نیلوفر مولوی

## چه کسانی از جنگ ایران و ...

از بهمن ماه ۱۳۵۷ و تشکیل رژیم جمهوری اسلامی (ر.ج.ا) تا به امروز قریب به ۴ سال میگذرد. اکنون پس از سپری شدن این مدت ابرسیاهی بر میهن ما سایه افکند هاست. ایران در ریند و اسیر، مرد مش در خوف و وحشت، "باد لی پسر حسرت و جشی پرنم"، شاهد یکسی از هولناکترین دورانهای پراز فرا زوشییب تاریخ خود میباشند. برآستی چه شد که ایران از دست برقت؟ چگونه مشتی عامل خارجی و بی وطن میهن زیبای ما را به چنین حالسی افکندند؟ سبب اصلی این سیه روزی کیست؟ کشوری شروتمند و بزرگ، با تاریخ، فرهنگ، تمدن طولانی و درخشان، مرد می سخت کوش و پرتحرک، در حالیکه میتوانست یکی از پیشرفته ترین و شکوفاترین کشورهای - اگر نگوییم جهان - منطقه باشد، به کشوری جنگ زده، ویران، غارت شد و عقب ماند که برای همه چیز خود میبایست بخارج رو آورد تبدیل شده است. آخر چرا؟ آیا آنگونه که برخی از ایرانیان میانسال میگویند: "سبب اصلی این بد بختی ها انگلیس است؟ یا اینکه تمام زدها را آمریکا بوجود آورده است؟" یا برای راحت کردن خود مانند آقای خمینی بگوئیم: "آمریکا، انگلیس و شوروی موجب تمام این بد بختی هاست؟" البته هم آنگونه که در مقاله توضیح داد خواهد شد، اکثر روشنفکران و ثغوری پردازان مسان توانسته اند بطور ریشه ای مشکلات و سایل بخرنج و عدید چهار سال گذشته را مورد بررسی همه جانبه و صحیحی قرار دهند و آنرا با زبان عام ففهم و روشن برای مرد مشکافند. بهمین علت مشکلات و ابهامات و سردرگی های آید طولوزیک روز بروز بر روی هم انباشته میشود. مرد نمیدانند چه کسانی در رییس پرد میهن ما را بدین روز افکند هاند. انسان

## سرد بمر محترم آزادی ایران، درستان عزیز نویسنده

پس از سلام باید معروض بد ارم که نشریه آزادی ایران در راهی قد مگذارد که هم برای ما ایرانیان غیر مترقبه ما پر ارزش است. غیر مترقبه زیرا در حالیکه ما ایرانیان عادت نداریم عقاید مخالف را بشنوم، شما نشان داد هاید که بعضی مخالف و گوناگون احترام میگذارید و نشریه شما نمونه خوبی است از این طرز برخورد. و ارزشمند باین دلیل که همین در مکر اتسک بودن در این اوضاع و احوال و انفسا کمک بزرگی به رشد در مکر اسدی در بین ایرانیان میکند. مقاله "چه کسانی از جنگ ایران و عراق بهره میجویند؟" در حد و دسمسال پیش منتشر شد. در آن زمان تلقی و برداشت من از مسئله وحدت غیر واقع بینانه و آید هالیستی بود. بطوریکه در مقاله پیشنها کرد مبود مکتما منبر و های مخالف رژیم جمهوری اسلامی از جمله حزب در مکر ات کردستان ایران، مجاهدین خلق، نهضت مقاومت ملی و سلطنت طلبان گرد هم آیند و یک جبهه متحد بزرگ ملی را تشکیل دهند. البته اکنون پس از ملاحظه رویداد های سه سال گذ شتمه و وضوح بیبنیم که امکان چنین امری در شرایط کنونی غیر عملی و حتی غیر ممکن است. بنابراین با حذف قسمتهایی که در باره مسئله وحدت در مقاله بیان شد هوانتقاد از خود در این مورد چون هنوز بعد از قریب به سه سال از انتشار مقاله حقانیت سا بر مطالب گفته شد همرزگردیده، خواهشمند در صورت امکان، همانگونه که در باره آزادی قلم و عد هاد هاید به درج مقاله اقدام فرمائید. البته من فکر میکنم که در حال حاضر با در نظر گرفتن بن بست موجود بین نیروهای اپوزیسیون و چند دستگی و پراکندگی درونی و بیرونی آنها و رخنه و مل و جاسوسان پرتجربه و مجرب و ابسته به رژیم اسلامی، تنها راه اتحاد آزادی - خواهانی است که در ازمنا فاع گروهی و دستمندی های موجود میخواهند از طریق در مکر لسی در راه سرنگونی رژیم کاهرد آرند.

با آرزوی پیشرفت و موفقیت برای شما

هوشنگ رزم آرا

۶۳/۱۲/۱۰

در ابها مبر میبرند و دشمنان اصلی و واقعی رانیشناسند و تا زمانیکه این دشمنان نقابار با توطئه ها، نیرنگها و شگرد های شان به درستی و وضوح عیان نگردند و مردم آنها را نشناسند گرمبارزات آزاد یخواهان برای آزادی ایران باز نخواهد شد. متاسفانه اکثر روشنفکران صاحب نام در خارج از کشور بدلیل مختلف تاکنون سعی نکرد هاند که این گروه اصلی را بازنگشایند. آنان از هر دری سخن میگویند، صد ها مقاله عریض و طویل مینویسند، اما از بیان لب مطلب و کشیدن نقاب از چهره دشمنان واقعی ایران سخنی در میان نیست. مشاهده میشود ثغور بیسینها ر.ج.ا برای پنهان نمودن ولوت کردن واقعیتها و حقایق چه اند از هانرزی و نیر و بگر میبرند، اما آیا روشنفکران متعهد ما توانسته اند دست آنان را رو کنند و مردم را آگاه نمایند؟ نویسند هاین مقاله ادعائی برای حل این ابهامات و مشکلات فزاینده ای که چون کوه در مقابل تمام روشنفکران و آزاد یخواهان ایران قرار دارد، ندارند. این مقاله مختصر

## ۱- تسخیر سفارت آمریکا و سقوط

## دولت آقای بازرگان

پس از تسخیر سفارت آمریکا و سقوط دولت آقای بازرگان، ر.ج.ا بطور فزاینده روز افزونی بسوی در یکتاتوری و فاشیسم روی آورد. اگر قبل از این بدید ه آزاد یبهای محدودی وجود داشت که بر رو چون مشعل آرام آرام روه خاموشی میرفت، با این سقوط مشعل آزادی با تند باد میبیب و خانمان برانداز خاموش شد و ر.ج.ا در سیسری قرار گرفت که آن سیر چیژی جز سرکوب، بقیه در صفحه ۸

بقیه: جه‌کسانی از جنگ ایران و . . .

خفقان، نابودی آزادی، برادر کشی، جنگ آوارگی، بیکاری و وابستگی هر چه بیشتر به دشمن عمدتاً خارجی چیز دیگری برای مردم ستمدیده ایران بارمغان نیارود. یک رژیم ضد مردمی و ضد مکرراتیک برای برپانگهداشتن ارکان حکومت خود هرگز نمیتواند جز از راه سرکوب و نابودی دموکراسی بحیات خود ادامه دهد. ر. ج. ۱۰ هم تحت لوای مبارزه با دشمن اصلی شیطان بزرگ آمریکا "پراه انداختن معرکه" دانشجویان پیروخط امام" با تسخیر سفارت آمریکا بهترین شرایط را برای یک مبارزه همه جانبه بر علیه آزاد یخواهان و میهن پرستان ایجاد نمود. و پاتوهین ها، تهمتها و توطئه های فراوان و سپس موج دستگیریها، اعدامها و کشتارها، تمام هم خود را برای تحکیم بخشیدن پایه های متزلزل حکومت خود بکار برد. اما در همین نقطه اوج رشد این تند باد سیاه و ایران ویران کن جنگ ایران و عراق است. جنگی که نتایج بس اسفباری را برای دولت ایران و عراق به بار آورد. هاست. متاسفانه تاکنون در مورد جنگ، علل و ریشه های آن از طرف ایرانیان آزاد یخواه و متعصب، تجزیه و تحلیل موشکافانه، صحیح و مبسوطی که بر واقعیات زندگی و توانکارناپذیر مبتنی باشد، بعمل نیامد و مردم نمیدانند در مورد جنگ چه موضعی را اتخاذ کنند! برخورد صحیح کدام است؟ آیا این جنگ یک "جنگ میهنی" است و باید از آن دفاع کرد؟ آیا ر. ج. ۱۰ حقیقت را میگوید که: برای دفاع از "میهن اسلامی" و "ایران عزیز" و "حفظ تمامیت ارضی ایران" میجنگد؟ اگر ر. ج. ۱۰ صحیح میگوید، آیا میتوان از چنین رژیم جنایتکاری که دشمن سرسخت و اصلی دموکراسی و فردم ایران است، انتظار داشت تا در جهت منافع مردم ایران قدم بردارد؟ و یا اگر ما از پیروزیهای ر. ج. ۱۰ در این جنگ میهنی شادمان شویم و بیهوش

خیرمقد مه گوئیم آیا در آن صورت موضع ما همان موضع ر. ج. ۱۰ نخواهد بود؟ یا اینکه پیروزی در جنگ و "دفاع از میهن اسلامی" رانه از آن ر. ج. ۱۰ بلکه از آن ارتش ایران و مردم ایران بدانیم؟ تو گوئید که ایران دارای یک دولت دموکراتیک، ملی و مردمی است و ارتش برای منافع چنینیست و ولتی میجنگد! سوالی که در ذهن هر انسان با وجدان و منصفی نقش مینماید اینست که چرا رژیم نهنها از ارتش در این جنگ حمایت میکند بلکه با پیگیری و سرسختی بی نظیری مشوق اوست؟ آیا امکان دارد که حاکمیت ضد دموکراتیک و ضد ایرانی ر. ج. ۱۰ در مورد جنگ با نیروهای اپوزیسیون و آزاد یخواه به یک تفاهم موضوع گیری مشترک رسیده باشد؟ این است آن پرسشهاییکه ایرانیان جستجوگر و علاقمند مطرح میکنند و انگشت شمارند آن کسانی که بتوانند این پرسشها را بطور صحیح و ملی و با در نظر گرفتن تمام جوانب آن پاسخ گویند.

## ۲- در نظریه و موضوع گیری مخالف

رو به مر فته در مورد جنگ ایران عراق و برخورد و موضوع گیری مخالف وجود دارد. از یک سو موضوع گیری ر. ج. ۱۰ و احامیان داخلی و خارجی آن میباشد که جنگ را "جنگ میهنی" برای دفاع از "میهن اسلامی" میدانند و بدین ترتیب کوشش میکند تا آنرا بعنوان جنگ "حق طلبانه" قلمداد نماید. این موضع گیری با آغاز و رشد جنگ موجب گردید که تمام مسایل و مشکلات دیگر داخلی و خارجی به مسایل فرعی و غیر عمد تبدیل شود و آنچه که رژیم میخواست جنگ به مسئله اصلی و اساسی ملت ایران تبدیل شده هر مسئله دیگری را تحت الشعاع قرار دهد. و از سوی دیگر این موضع گیری و برخورد که در رست در نقطه مقابل و مخالف با مواضع ر. ج. ۱۰ است - جنگ را از همان آغاز

جنگی میدانند که ر. ج. ۱۰ توانسته است بوسیله آن خود را ازین بست مشکلات عدیده داخلی و خارجی برهاند و ارکان و پایه های متزلزل حکومت خود را که در اثر مشکلات فراوان در حال سقوط بود، تحکیم بخشد. جنگ ایران و عراق توانست در یک زمان بسیار بحرانی رژیم را از باطل عمیق و مهیبی که تا گوید در آن فرورفته بود، بیرون بکشد و جمهوری اسلامی را که میرفت تا با مشکلات و مسایل روبرو شود داخلی به زانو افتد، از یک خطر حتی و مرگ آورهای بخشد. این بدین معنی است که این جنگ برخلاف گفته ر. ج. ۱۰ یک "جنگ میهنی" برای نجات "میهن اسلامی" و "حفظ تمامیت ارضی ایران" نیست. بلکه جنگی است بنفع روز و زوال را از مرگ و نابودی نجات بخشید. این است آن در برخورد و موضع گیری مخالف در باره جنگ ایران و عراق! برای روشن شدن مسئله ما به بررسی برخی از مشکلات ر. ج. ۱۰ در دوران قبل از جنگ میپردازیم.

## ۳- مشکلات روز افزون رژیم قبل از جنگ

قبل از جنگ، ر. ج. ۱۰ درگیر مسایل گوناگون روبرو شده بود. جنگ کردستان گسترش می یافت. بعزت تحریم اقتصادی غرب اکثر کارخانه ها بحال تعطیل و یا نیمه تعطیل درآمد نبودند، بیکاری به مرز ۴ میلیون رسید بود، رشد تورم از ۲۰۰٪ میگذاشت، صفهای طولانی برای مواد غذایی و سایر احتیاجات روزمره وجود می آمد. در ارتش زنده نجات ایران مطرح میگردد و افسران و سربازان میهن پرست در فکر چاره بودند. دامنه این نارضایتیها به کوچکی و بازار کشید همیشگی، مردم اکثر نارضایتی و مخالفت خود را علناً ابراز میکردند. در



بقیه: چه کسانی از جنگ، ایران و ...

کارخانه‌ها کارگران میگفتند: اگر انقلاب این است، ما این انقلاب را نخواستیم" ما را گول زدند" ما را فریب دادند" مردم کل رژیم را مورد سوال قرار میدادند. بسیاری از امکان جنگ داخلی سخن میراندند. روح، ا هم دلیلی درست نداشت که بتواند جلوی مخالفت‌های روبرو شد مردم را بگیرد. و تازه تاکی میتوانست با کشاندن مردم به سفارت آمریکا و شعار "مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما" از رشد تصاعدی مخالفت‌های گاه پنهان و گاه آشکار مردم جلوگیری کند؟ اوضاع بحرانی میشد! میبایست هر چه زود تر اقدام کرد! اید غول‌گهای کارکشته و مخفی رژیم که بدستور اربابان خارجی خود طرح تسخیر سفارت آمریکا را ریخته و با اجرای این طرح دقیق و ظریف به موفقیت‌های شایانی دست پیدا کرد نبودند، اکنون در باره مشورت و غورپرداختند. چگونه باید جلوی ناراضی‌های مردم را گرفت؟ چگونه باید به مواج بی‌دری و خطرناک مخالفت‌ها و ناراضی‌های عمومی خاتمه داد؟ در تاریخ معاصر جهان ما همواره شاهد بودیم هنگامیکه قدرتمندترین متجاوزان مسایل درونی و مشکلات داخلی مواجه میشوند، برای جلوگیری از رشد این مسایل و مشکلات به تهاجم خارجی دست میزنند و با عمد نمودن جنگ خارجی سعی میکنند افکار و اندامان مردم را از واقعیت دور کنند. آنان به تحریکات امن میزنند، حتی کشور مورد نظر را بر میانگینند که حمله را آغاز کند تا بدینوسیله با طرح "جنگ میهنی" و "فاجعه زمین" افکار عمومی را از مسایل داخلی منحرف نمایند. بهترین مثال نمونه زند و معینی جنگ ایران و عراق است. برای روشن شدن مطلب به برخی از مواضع قابل توجه در این مورد میگردیم. در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۸ در ست یک سال و سه ماه قبل از جنگ ایران و عراق، روزنامه "مردم"

ارگان مرکزی حزب تودهایران، این چنین اظهار نظر میکند:

"سیاست داخلی دولت عراق اینک باعث شده که در کشور خود پایگاه اجتماعی خود را از دست بدهد و در برابر خلق عراق قرارگیرد. خود را مستولرزان احساس کند و از نفوذ معنوی انقلاب آزاد بیخوش ایران بترسد و این سستی و ترس را بخواهد با تهاجم مسلح و مداخلات تجاویز نسبت به ایران و به خیال خود از انظار مردم عراق مستور کند."

این نکته حائز کمال اهمیت است که چگونه رهبران حزب تودها ز مدت تهاپیش زمانیکه کمتر کسی تصور میکرد چنین جنگی ممکن است بوقوع پیوندد زمینه تحریکات را برای ایجاد این جنگ آماده میکردند. گویا حزب تودها در قیامیدنست که چه خواهد شد.

آقای نورالدین کیانوری در پهن ماه ۱۳۶۰ در تهران در جلسه "پرسش و پاسخ" در مورد جنگ ایران و عراق میگوید:

"ما یکسال و سه ماه قبل از حمله عراق، این هشدار را دادیم که عراق در نتیجه وضعیت داخلی خود، رهبری عراق در نتیجه سیاست ارتجاعی که رپیش گرفته، (منظور تیر شدن روابط عراق، با اتحاد شوروی و نزدیکی به غرب است) در جهت تهاجم به ایران قدم برخواهد داشت." (توضیح داخل پرانتز از نویسنده) سوالی که مطرح میشود اینست که آقای نورالدین کیانوری در بیرونول کمیته مرکزی حزب تودهایران از کدام نیروی خارق العاده و مافوق بشری بهره منسد میباشند که این چنین به پیش گوئی آنها هم یکسال و سه ماه قبل از جنگ ایران و عراق میگرداند؟ شاید ایشان "علم غیبی" دارند. بهر حال اگر ما بتوانیم این مسئله را درک کنیم که چگونه هم آهنگی و هم آوازی تبلیغاتی و مواضع ر. ج. ا. با مطالب گفته شد و مواضع گیریهای حزب تودها و آقای

کیانوری، در یک پروسه رشد یافته و بسه منصفه ظهور و اجرای سیاست‌های اصلی و اساسی سرسد، آنها هنگامی خواهند توانست معضلات بخرنج و پیچیدها معماهای ایران را بخصوص در مورد جنگ ایران و عراق بهتر تشخیص دهیم.

بدین ترتیب، از مدت تهاپیش زمینه ایجاد تحریک، تهدید و ارباب رژیم عراق ریخته شد. بهود. حال آیا وقت آن نرسیده که ر. ج. ا. را از مشکلات داخلی فزاینده نجات داد؟ آیا هنگام آن نرسید تا با برانگیختن عراق، او را وارد تهاجم و زخمود؟ در بین کشورهای همسایه ایران، عراق کوچکترین وضعیترین کشور بعد از افغانستان بود و جنگ با عراق، در کنار خلیج فارس و شاهراه حیاتی نفت صورت میگرفت. آیا اکنون هنگام اجرای طرح نبود؟ بدین صورت ر. ج. ا. حل مشکلات روز افزون قبل از جنگ را در یک جمله خلاصه نمود: "صد و انقلاب اسلامی به عراق،!"

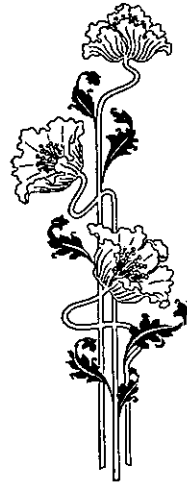
#### ۴- "صد و انقلاب اسلامی"

آنان بایک برنامه ریزی قوی و حساب شده، عراق را بطور علنی مورد تهدید قرار داد و با تحریک مردم عراق، راهشوش علیه دولت صد ام حسین دعوت نمودند. از آزاد کردن کربلا، نجف و بغداد بوسیله "سربازان اسلام" سخن راندند. و روز بروز دامنه این تهدیدات و تحریکات را وسیعتر نمودند. دولت عراق همبدون توجه و بسا ساد و لوحی کود کانهها حمله خود به ایران در دام گسترده ر. ج. ا. در غلطید! و بدین ترتیب بزرگترین خدمت را در این برهه از زمان بهر. ج. ا. نمود. عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ فرودگاهها و بعضی از مناطق دیگر ایران را بمباران کرد. هنگامیکه هواپیما تویولف منطقه فرودگاه مهرآباد را در همان بقیه در صفحه ۱۸

# نوروزخسته باد

یاران... پاسخ دهید مرا!

یاران، پاسخ دهید مرا!  
در جمعمان  
هست آن درد مند مبتلا!  
آشفته، ملتطمب  
با خشی عظیم  
باد روی بزرگ  
با عشقی عمیق؟  
مینگر مبر شما  
در سکوت  
منتظر



یاران پاسخ دهید مرا!  
در جمعمان  
هست آن دل بیقرار  
چون کوه استوار  
چون دریای بیکران  
تا عاشقان راه  
در گرداب بی امان  
در بیم موج  
با کشتی امید و آرزو  
بر آن گذرکنند؟

یاران، پاسخ دهید مرا!  
در جمعمان  
هست آن اندیشه بلند  
تابناک  
آن فرزادنگی  
آن آزادگی  
آن روح سرکش سرفراز  
آن شمشیر بلند تیز  
تا بردشمنان زند، ضربهها  
تا برد وستان کند، وفا  
یاران پاسخ دهید مرا!

"محروق"  
روشیه ۸۲



بهار آمد، بهار آمد، بهار آمد  
بهار مشکبار آمد  
صبح آمد، صبح آمد، صبح آمد  
صبح روح آمد  
صفا آمد، صفا آمد که سنگ و رنگ روشن شد  
حبیب آمد، حبیب آمد، بدلدای مشتاقان  
سماع آمد، سماع آمد، سماع بی صداع آمد  
ربیع آمد، ربیع آمد، ربیع بس بدیع آمد  
کسی آمد، کسی آمد که ناکس زو کسی گردد  
کجا آمد؟! کجا آمد؟! کز اینجا خود نرفتست او  
بیند چشم و گویم شد، گشایم گویم او آمد  
کنون ناطق خمس گردد کون خامش بنطق آید

\*\*\*

نگار آمد، نگار آمد، نگار آمد  
نگار برد بسیار آمد  
خرامان ساقی، مهر و یار و عقسار آمد  
شفا آمد، شفا آمد، شفا آمد، شفا آمد  
طیب آمد، طیب آمد، طیب آمد، طیب آمد  
وصال آمد، وصال آمد، وصال آمد، وصال آمد  
شقایقها و ریحانها و لاله خوش عذار آمد  
مهی آمد، مهی آمد که دفع هر غبار آمد  
ولیکن چشم که آگاه، که بی اعتبار آمد  
واود رخواب و بیداری قرین یار و غار آمد  
رهاکن حرف بشمرد که حرف بی شمار آمد

ای نویسهار عاشقان داری خیر از بیار ما  
ای باد های خوش نفس عشاق را فریاد رس  
ای از تو آبیستن چمن وای از تو خند ان بانها  
ای پاکتر از جان و جا آخر کجا بودی کجا؟

"مولوی"

بر چهره گل نسیم نوروز خوشست  
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست  
در صحن چمن روی دل افروز خوشست  
خوش باش وزدی مگو که امروز خوشست  
"خیام"

بهارا بهسل تا گیاهی بر آید  
درین تیرگی صبر کن شام غم را  
بمان تا درین ژرف یخزار تیره  
وطن چاهسار است و بند عزیزان  
درین داوری مهلده مدعی را  
بمیداد بد خواه امروز سر کن  
برون آید از آستین دست قدرت  
در خشی زابسر سیاهی بر آید  
که از دامن شرق ماهی بر آید  
به نیروی خورشید راهی بر آید  
بمان تا عزیزی زجاهی بر آید  
که فردا به محضر گواهی بر آید  
که روز گردان خواهی بر آید  
طبیعت هم از اشتباهی بر آید

"ملک الشعرا ی بهار"



بقیه از صفحه ۴

در باره ماهیت ادغام . . .

نگهبان" مانند ه تن آخوند زکریا در دوران مشروطیت بر تمام قوانین مجلس حق وتوداشته و سرنوشت سیاسی یک کشور را در دست گرفتند. سوالی که در ذهن هر خواننده واقع بین و هووشیاری پدید می آید اینست که آیا تا کید بی اندازند رهبری بی چون و چرای آخوند هاد ر قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی ر ج ۱۰ امری تصادفی است؟ کدام نیروها و کدام کشورهای قدرتمند خارج از جسی تقویری استعماری ادغام بین در سیاست را آنهم در این سطح وسیع گسترش داد و بوسیله مشتق آخوند به مردم ایران تحمیل کردند؟ قانون اساسی مشروطیت در مورد آزادی مطبوعات و آزادی بیان و اجتماعات نیز با بهره برداری از جماعتی در بین به مقابله پرداخته و بنا بر اصل بیستم و بیست یکم تأکید میورزد که: عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضر مبد بین مبین . . . ممنوع است. و اندام هسا و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی . . . نباشند . . . آزاد است" ( ۷ ) بدین صورت قانون اساسی مشروطیت تکمیل گردید و آنچه را که شیخ فضل الله نوری در نظر گرفته بود نتوانست در آن بگجاند البتة شیخ فضل الله در شمنی با آزاد یخواهان و مشروطیت روابط تنگاتنگی با نربار مظفرالدین شاه و بخصوص با محمد علی میرزا داشت هر دو شاه نیز در روابط تنگ و سوسپردگی به روسیه از هیچ کوششی خودداری نمیکردند. حال این سوال مطرح میگردد که شیخ فضل الله نوری چه رابطه ای با روسها داشته و روسها تا چه اندازه در حمایت از وی در رگنجانیدن اصول ارتجاعی و ضد آزادی خواهی متمم قانون اساسی نقش داشته اند؟ اگر ما با بررسی قانون اساسی و انقلاب مشروطیت و نقش د و کشور روسیه و انگلیس و رابطه آنان با عوامل مذ همی با این نتیجه برسیم و قبول داشته باشیم که تقویری ادغام مذ هب و سیاست در ایران آن دوران چگونه در جهت منافع این د و قدرت امپریالیستی در جهت نفی آزادی و عدالت اجتماعی بکار گرفته شد هاست، آنهنگا شاید بهتر بتوانیم نقش ر ج ۱۰ و اسلام مبارز و اسلام مستضعفین آقای خمینی را در رک کنیم و ببینیم که در جهت منافع کدامیک از قدرتمند های سلطه گر روی کار آمده است. با در نظر گرفتن مسایل فوق سوال د وی که مطرح میشود اینست که چه رابطه ای بین قانون اساسی مشروطیت و قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد؟ آیات تقویری سینه های ر ج ۱۰ در رد و بین قانون اساسی اسلامی از متمم قانون اساسی و اصول ارتجاعی پیشنهاد شده از جانب شیخ فضل الله نوری الهام نگرفته اند؟ این است شمه ای کوتاه از واقعیت قانون اساسی ایران در دوران مشروطیت. حال حای بسی تعجب است که جرایخی از اپوزیسیون و برخی از نیروهای آزاد یخواه، مترقی و ملی هنوز نتوانسته اند از پدید هسا و واقعیت های در دوران مشروطیت عبرت بگیرند. برخی نیز هنوز دل در

گرو قانون اساسی در دوران مشروطیت بسته اند و میخواهند با اتکاء به آن آزادی و د مکراسی را برای ملت ایران بارمغان آورند. متاسفانه بعلمت همین برداشت غلط و نداشتن درک صحیح از تاریخ و برخورد ارنیودن از یک تقویری علمی، صحیح و روشن است که نمیتوانند راهگشا باشند. و نمیدانند که جراسا زمانها و گروهها ایشان از درون در حال فروریختن است. برخی نیز هنوز قادر نیستند در سست از "اسلام مترقی" و "مبارز" خود بردارند و نیمنگاهی همه نقشه مخرب دین در سرنوشت سیاسی ایران بیفکنند.

( ادامه دارد )

جمشید آریانپور

یادداشتها

- ۱- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی ص ۲۴۸
- ۲- روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴ پژوهشی در باره امپریالیسم د کتر فیروز کاظم زاده ص ۳۷۰
- ۳- همانجا ص ۳۷۲
- ۴- تاریخ مشروطیت ایران، احمد کسروی صفحه ۲۵۴
- ۵- متمم قانون اساسی ایران اصل د و م ص ۲۵
- ۶- اصل نود و سوم و نود و چهارم از اصول قانون اساسی ر ج ۱۰ ص ۴۰
- ۷- اصل بیستم و بیست و یکم از اصول قانون اساسی ایران ص ۳۰

بقیه از صفحه ۴

ایران، در ماه . . .

میدانند که اگر به شکست هم منجر شود، نباید مایوس بود. رجائسی خراسانی نمایند هر رژیم ر سا زمان ملل نیز بد نیال تشدید حملات عراق چنین اظهار میدارد " ایران هرگز شرط سرتاوی صد ام حسین را به عنوان یک شرط اساسی برای خاتمه جنگ قائل نشده" و هدف جمهوری اسلامی را تحقق سه شرط زیر برای پایان دادن بجنگ میخواند:

- ۱- متوقف شدن حملات علیه شهرها و مناطق غیر نظامی
- ۲- اقرار رسمی عراق به اینکه آغاز کند ه جنگ بود هاست.
- ۳- اعلان آمادگی رسمی برای پرداخت غرامت جنگی به ایران.

و خاتمه ای نیز طی سخنانی در مشهد، پارا از این هم فراتر نهاد ه و تنها از تعیین متجاوز سخن میگوید بد و آنکه اشارت به سرنوشتی صد ام حسین یا تنبیه کردن متجاوز "و . . . بنماید. از شواهد امر چنین بر می آید که سرانجام علی رغم میل یا لحنی سران رژیم، آنان مجبور گشته اند در شرایط پیشنهادی سابق تجدید نظر نمایند و مواضع اعلان شده قبلی را تخفیف دهند. حال ادماه جنگ بجکا خواهد انجامید و در نمای آن چگونه خواهد بود، مسئله ای است که باید منتظر بود و سیر رویدادها و حوادث آن را مشخص تر خواهد نمود. □

## ایران

## در ماهی که گذشت

## هدیه حزب الله برای مردم لبنان

مجلس رژیم جمهوری اسلامی در ۱۰ اسفند ۶۳ اختصاص یک میلیارد ریال اعتبار جهت حمایت از "مستضعفان" لبنان (گروه حزب الله لبنان) را تصویب کرد. یکی از اهدافی که رژیم جمهوری اسلامی از بد وجود آمدنش همیشه آنرا دنبال کرده و میکند خالت در امور داخلی کشورها و به آشوب کشاندن منطقه تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی، "گسترش فرهنگ اسلامی" و حمایت از "مستضعفان جهان" بود. هاست. بهمین منظور در ۳ سال پیش گروه حزب الله را در لبنان بوجود آورد. که هدفش استقرار یک جمهوری اسلامی در یگمانند ایران در لبنان است. یکی از اعضای حزب الله نام حمزه میگوید: "ما مظهر انقلاب اسلامی در لبنان هستیم، حزب الله ریاره اسلام واقعی با مردم صحبت میکند، انقلاب اسلامی در ایران الهام بخش ماست." اخیرا نیز پس از عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از شهر صیدا و برقراری آرامش نسبی در این شهر در حدود ۴ هزار تن از افراد مسلح حزب الله آن شهر ریخته و با آتش زدنی سرچشم لبنان و تصاویر رئیس جمهوری و حمله به اماکنی که مشروبات الکلی میفروختند آرامش و امنیت شهر را بهم زدند. در مقابل اعمال وحشیانه حزب اللهی های طرفدار رژیم خمینی اکثر مردم و گروههای سیاسی موضع گیری نمود و این اعمال را بشدت محکوم کردند.

در واقع حزب الله هیچگاه در جهت اهداف مردم لبنان و مبارزه با اسرائیل گام برنداشته است. بلکه هدف این گروه ایجاد آشوب و اغتشاش و برهم زدن نظم لبنان و از این طریق بدست آوردن پایگاهی برای خود است. زیرا اعمال این گروه بیشتر از آنکه به اسرائیل ضربه بزند به ارتش اسرائیل فرصت میدهد که تحت عنوان تعقیب تروریستها" به روستاهای لبنان حمله کرد و برمدت اقامت خود در این کشور بیافزاید. رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف با حمایت از حزب الله در لبنان و از طرف دیگر با فشاری بسیار در ادامه جنگ ایران و عراق، جنگی که هر لحظه امکان دارد شعله هایش به کشورهای اطراف کشیده شود، سعی دارد منطقه را به آشوب کشیده تا از این طریق افکار مردم را از مسائل داخلی ایران به مسائل خارجی کشاند و با عمده نمودن این مسائل شکستها و ضعفهای داخلی خود را بپوشاند.

## اخراج دو حزب اللهی از فرانسه

در تاریخ ۲۷ مارس ۸۵ (۱۶ اسفند ۶۳) پلیس فرانسه و نوازاد انشجویان حزب اللهی مقیم پاریس را به علت جاسوسی و دخالت در امور این کشور دستگیر کرد و حکم اخراج فوری آنان را صادر نمود. این دو تن که سید محمد رضا ستغیب و محمود فقیهی نامید میشوند از فعالین انجمن اسلامی در پاریس بودند. پلیس فرانسه قصد داشت حکم اخراج آنان را روز بعد از

دستگیری به مرحله اجرا آورد، بدین منظور آنان را به فرودگاه برودنات توسط هواپیمای ایران ایر به ایران بازگردانده شدند اما چون پاسپورت های خود را همراه نداشتند، هواپیمای رژیم خمینی به این بهانه اجازه ورود به هواپیمای ایران نداد این دو نفر روز ۹ مارس با پرواز ایر فرانس از فرانسه اخراج گردیدند. از عوامل مهمی که باعث میشود رهبران رژیم اسلامی به فرانسه توجه نشان دادند و شبکهای جاسوسی و تروریستی خود را در فرانسه گسترده تر کنند، تحت نظر قرار دادن ورخنه در گروهها و سازمانها و تعقیب افراد مبارز و مخالف است. طبق گزارش برخی از منابع موثق سفارت جمهوری اسلامی با بهره برداری از سازمانهایی که دارای تجربیات فراوانی هستند و طرفدار رژیم جمهوری اسلامی میباشند، کوشش مینماید در سازمانها و گروههای مختلف اپوزیسیون رخنه کرده و آنها را زیر نظر قرار دهد. البته باید گفت که در این باره تا حدودی نیز موفق بود هاست. در این مورد گاهگاهی افراد جدی و مبارز را مورد تعقیب و تهدید و حتی ضرب و شتم بدنی قرار داد هاند. همچنین سفارت جمهوری اسلامی شبکه وسیع و منابع مالی فراوانی را برای دخالت در امور داخلی کشور فرانسه و گسترده تر کردن فعالیت در بین کارگران مسلمان مهاجر عرب و شوراندن آنها بر علیه دولت فرانسه اختصاص داده است. از دو سال و سه ماه تاکنون علاوه بر دو نفر مذکور، ۱۲ دانشجوی دیگر همچنین سه پیلمات رژیم که در ارتباط با مرکز فرهنگ



بقیه: ایران در ماه... . . .

اسلامی در ریاریس بودند (این مرکز بعد از اخراج این عده توسط دولت فرانسه تعطیل اعلام گردید) به علت حاسوسی، خرابکاری و اغتشاش از فراتر آنها خراج نمودند.

### لوله نفتی عراق باز نمی‌شود

در روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۲/۶۳/۱  
آورد می‌شود: «تلاش صد امپراتوری‌های بازگشایی خط لوله نفتی عراق در خاک سوریه شکست خورد». خط لوله نفتی فوق‌مدتی بعد از شروع جنگ ایران و عراق از طرف سوریه به حمایت از ایران در این جنگ بسته‌شد و دولت سوریه علت آنرا موضوعی کاملاً سیاسی دانست. در این مدت دولت عراق و دولت‌های عربی حامی این کشورها را از سوریه خواستار بازگشایی این خط لوله نفتی شده‌اند. اما دولت سوریه تا کنون با این امر موافقت ننموده است. عدم صدور نفت از طریق این لوله خسارات فراوانی به اقتصاد عراق وارد نموده است و بنابراین عا‌های دولت عراق این کشور روزانه ۲۵ میلیون دلار بابت درآمد نفتی از دست می‌دهد. برخلاف تبلیغات غیر واقع‌بینانه‌ای که اخیراً منتشر شده، با در نظر گرفتن نزدیکی سیاسی رژیم ایران و سوریه بازگشایی خط لوله نفتی عراق از طریق سوریه بسیار بعید بنظر می‌رسد.

### رژیم اسلامی و عرفات "سازشکار"

بدنبال اعلام امضاء موافقت‌نامه ۸ ماه‌های اردن و سازمان آزاد بیخشی فلسطین بر سر طرح مشترک حل مسئله فلسطین، از سوی وزارت امور خارجه رژیم ایران، بیانیه‌هایی صادر شد. در این بیانیه‌ها وزارت امور خارجه این عمل را "سازشکارانه" نامیده.

و آن را در جهت "نابودی آرمان فلسطین" دانست.

در طرح فوق در باره بازگشت تمام سربازهای اشغال از جمله اورشلیم و حق تعیین سرنوشت برای ملت فلسطین، و تأسیس یک دولت فلسطینی مستقل در چهارچوب یک دولت کفدرال با اردن تأکید شده است. در بیانیه رژیم اعلام خواهد شد همبستگی و یکپارچگی دولت اسلامی و "پیشرو" منطقه برای مقابله با طرفین موافقتنامه مذکور شده است. روزنامه "سوری" تشریح ارگان رسمی دولت سوریه نیز در شماره روز ۲ مارس خود در طی تفسیری با "توطئه‌گر" نامید طرفین موافقتنامه محازات مرگ را محازاتی "طبیعی"، "منطقی" و "ضروری" برای آنان دانست. سران حبیب‌پاداری متشکل از سوریه، لیبی، یمن جنوبی و الجزایر موافقت نمودند که بر علیه موافقتنامه اردن و سازمان آزاد بیخشی فلسطین نیز اجلاسی تشکیل دهند. در این میان نیروها و گروه‌های فلسطینی مخالف با یا سرعفات که از جانب سوریه حمایت می‌شوند، سیاست عرفات را "انحراف طلبی" نامید و خواهان فسخ این موافقتنامه شدند.

رژیم جمهوری اسلامی که در اوایل روی کار آمدنش از سازمان آزادی بخش فلسطین بهره‌گیری یا سرعفات به عنوان سمبل مبارزات مردم فلسطین در جهت منافع خود استفاده کرد، بمرور بسطت اختلاف نظر و عدم قبول خط مشی سیاسی اتخاذ شده از طرف یا سرعفات در قبال مسائل خاورمیانه و منطقه از جمله مسایل فلسطین، لبنان، جنگ ایران و عراق و... حملات خود را به وی و سازمان آزاد بیخشی فلسطین آغاز نمود و زمانی که در او خرسال ۱۳۸ اسرائیل به سرکوب نمودن فلسطینیها پرداخت، سوریه نیز با کمک گروه‌های فلسطینی مخالف عرفات و حمایت نظامی

لیبی، برای از سر راه برداشتن عرفات و سلب قدرت از وی او طرفدارانش را در لبنان تحت فشار نظامی شدید قرار دادند که در نتیجه، آنان محبوس‌ترک لبنان شدند، حملات رژیم اسلامی به عرفات شدید‌تر و عیان‌تر گردید. بعد از این تاریخ، شاهد هماهنگی و همسویی هر چه بیشتر مواضع سیاسی رژیم در قبال مسائل فلسطین و لبنان با سوریه و سایر کشورهای حبیب‌پاداری بود. ما این منظره‌ها را در باره موافقتنامه اخیر اردن و سازمان آزاد بیخشی فلسطین بار دیگر این مسئله را آشکارتر می‌نمایم.

### مرحله جدید در جنگ ایران و عراق

پس از مدت‌ها رکود موقتی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق در تاریخ ۱۴ اسفند ۶۳ مصادف با ۵ مارس ۸۰ با حمله موشکی عراق به اهواز، شعله‌های این جنگ خانمانسوز شدت گرفت. بدنبال این حمله، ایران شهر بصره را گلوله باران نمود. پیامدها و سیر حوادث بعد نشان دادند که تهدید بمباران ۳۰ شهر ایران توسط عراق بلاف نبود هود رسه هفته‌ها اخیر اکثر شهرهای ایران بخصوص شهرهای بزرگی چون تهران، تبریز اصفهان و... که از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردارند، مورد حملات هوایی عراق واقع گردید. در نتیجه ایسین عملیات تعداد بسیاری از افراد غیرنظامی در مناطق مسکونی و کشور کشته و مجروح شدند.

ششم مارس در بیرکل سازمان ملل از طرفین متخاصم دعوت نمود که فوراً آتش بس نمایند این آتش بس مورد پذیرش رژیم ایران قرار گرفت اما عراق آنرا نپذیرفت و خواستار آتش بس قطعی و کامل و آغاز مذاکرات صلح برای خاتمه جنگ شد.

تشدید جنگ و گسترش بمبارانهای  
بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱۳

## ایران، در ماهی ...

هوایی به مناطق مسکونی که در طی چهار سال ونیم اکثر اختصاص به مناطق مسرزی و منطقه کردستان داشته موجب شد که مردم اکثر شهرهای ایران وحشت زد و نگران ، لحظات دشوار و مضطرب را بگذرانند . هجوم مردم تهران و سایر شهرهای بزرگ به شهرستانها و هکدهای مختلف و وضع آشفته و بحرانی در بیشتر نقاط کاملاً مشهود بود . هاست و این حملات در سطح وسیعی باعث گسترش اعتراضات و موج مخالفتهای بسیاری بر علیه رژیم شد ، بطوریکه طی اخبار رسیده مردم مهران و مضطرب ، مرتباً در زیر حملات هوایی کاملاً آرامش و قرار خود را از دست داده اند . خشم و انزجار خود را از مسببین اصلی جنگ آشکار ساخته و طغیانهای ضد جنگ و ضد خمینی سر دادند . همزمان با شدت گرفتن بمباران شهرها و دامنه آن ، رژیم ایران دست به یک حمله در خاک عراق میزند . این عملیات که "عملیات بدر" نامیده شد در جبهه جنوبی در شنزارهای هویر تا آغاز گشت که در طی آن نیروهای عراق بباد فاع از خود و حملات متقابل شکست فاحشی برای سران وارد آوردند . میتوان گفت این عملیات یکی از بی شمرترین حملات رژیم ایران و از پر تلفات ترین نبرد های بین ایران و عراق بشمار میرود . بد نیال اعلام مواخا عراق مینی برای نکه حریم هوایی ایران یک منطقه جنگی محسوب میشود جنگ بعد تازه ای میاید . خطوط هوایی ایران با خارج از کشور قطع میگردد و اتباع خارجی کشورهای گوناگون ایران را ترک مینمایند . پس از شکست در هویزه در تاریخ ۲۵ مارس بعد از یک توقف ۴۸ ساعته بمباران شهرها از سر گرفته میشود . تهران بار دیگر مورد حمله واقع میگردد و همزمان با آن رژیم ایران نیز پنجمین موشک زمین به زمین خود موسوم به اسکاد ز ساخت شوروی که در حدود سالهای ۱۹۵۰ ساخته

شد و چند آن هم دقیق نیست را بسوی بغداد پرتاب مینماید . بر طبق منابع موثق این موشکها توسط لیبی در اختیار رژیم ایران قرار گذارد شده است . همچنین بر اساس آخرین خبرها در طی سه هفته اخیر رژیم جمهوری اسلامی متحمل تلفات و صد مایه فراوانی شده است که رقم آن حد و حدسی هزار کشته و مجروح و اسیر برآورد میشود و طبق اظهارات رژیم و بیانیه رسمی که تسلیم شورای امنیت سازمان ملل مینماید ، تعداد کشته شدگان افراد غیر نظامی در مناطق مسکونی ۱۱۰۰ تن و مجروحین ۴۰۰۰ تن اعلام میشود و رژیم برای اولین بار با اعتراف به این رقم (که مسلمانان شاگردان ما را واقعی هم نیست) در این مرحله روی بسوی مراجع بین المللی میآورد و از سازمان ملل میخواهد که ضمن محکوم ساختن عراق بعنوان آغاز کنند جنگ این عملیات را محکوم نماید و پیشنهاد آتش بس میدهد .

از طرف دیگر عراق که هدفش از تشدید این حملات ، پایان بخشیدن به این جنگ فرسایشی و طولانی است ، حاضر به قبول آتش بس موقت نمیگردد . در مقابل رژیم خمینی که تا کنون همواره بر اداه جنگ تاکید و اصراری ورزیده است ، با وضعیت جدید مواجه شده است . "وضع نه جنگ ، نه صلح" وادامه آن بصورت فرساینده ، میتواند تسامدتهای میدی به مقامات رژیم جمهوری اسلامی کمک نماید که بر حکومت خود ادامه دهند و چنانکه همگان آگاهند بسیاری از ناراضیتهای داخلی و مخالفتهای مردم را تحت عنوان مسئله جنگ و شرایط استثنایی جنگ ببوشاند و سرکوب نماید . در حالیکه مردم ایران و کلیه ملل صلح دوست منطقه و جهان خواهان خاتمه این جنگ ویرانگر میباشند . پس از اینکه تلاشهای هیئتتهای صلح و میانجی بین دو کشور ایران و عراق به علت خود داری رژیم ایران از پذیرش مذاکرات صلح ، بهمن بست رسید ، عراق در عملیات

اخیر با بکار گرفتن تمام امکانات و نیروی خود و حمایت کشورهای دوست ، مصمم و امیدوار است که با اتخاذ تاکتیک جدید و حملات بی دریغ و بمباران شهرهای بزرگ رژیم جمهوری اسلامی را در فشار بیشتری قرار داده و از موضع قدرت با آن رویبرگردد . از طرف دیگر در داخل کشور مردم شهرهای بزرگ از جمله تهران و تبریز و اصفهان که در طی این مدت مصائب این جنگ بیهود و عیشترا بدین شدت حس نکردند ، بیاد تمام وجود مسئله جنگ را درک کرده و به اعتراض و مخالفت بر علیه رژیم میپردازند . در نهایت عراق ، امیدوار است از این طریق با فرود آوردن ضرباتی بر رژیم ایران ، رهبران جمهوری اسلامی را واداره عقب نشینی نموده ، و بپای میز مذاکرات بکشاند . متأسفانه در این میان خون افراد بیگناه بسیاری ریخته میگردد و تعداد زیادی مجروح شده و خسارات مالی و جانی عظیمی بر طرفین وارد میشود که بار دیگر گرفتن پیچیدگی جنگ و شکلی که در این مرحله به خود گرفته ، اجتناب ناپذیر مینماید . در این میان کوششهای دیپلماتیک بین المللی برای میانجیگری صلح بین ایران و عراق وارد مرحله جدی تری میگردد . "ساتجا" معاون وزیر امور خارجه هند در راس هیئتی وارد تهران میشود و حامل پیامی از سوی راجیو گاندی رئیس کشورهای غیر متعهد است و خواهان قطع حمله به مناطق مسکونی در کشور میباشد . همچنین کشورهای عضو اتحادیه همبستگی خلیج فارس نیز ضمن تشکیل یک جلسه فوق العاده در ریاض برای پایان دادن به جنگ همراه با سازمان کشورهای اسلامی و کشورهای غیر متعهد ، تلاشهای تازه ای را آغاز میکنند . از جانب حسنی مبارک رئیس جمهور مصر نیز طرح صلحی پیشنهاد میگردد در عین حال از سوی وزارت خارجه رژیم خمینی ، ولایتی در راس هیاتی عازم کشورهای منطقه میشود . ولایتی در سفر خود از سه کشور

بقیه در صفحه ۱۳

## نامه‌ای از یک خواننده

دوستان محترم "آزادی ایران":

باسلام و آرزوی موفقیت برایتان باید عرض کنم کمپس از مطالعه ۴ شماره نشریه "آزادی ایران" نکته قابل توجهی که در این نشریه به چشم میخورد و در واقع نمایانگر خط اصلی آن میتواند باشد همانا واقع - بینی شما در برخورد با مسائل وطنمان، مسائل اپوزیسیون و دفاع از دموکراسی و آزادی است. سمر مقاله "بیاد مصدق" از محتوای بسیار پرارزشی برخوردار میباشند همچنین مطالب بیفرضانه‌ای که در قسمت اپوزیسیون (مطبوعات خارج از کشور) در مورد گروه‌های مختلف بیان داشته‌اید، نشاندهنده آن است که شما جدا از گروه - گرای و منافع شخصی، بازگومودن حقایق را مد نظر قرار داده‌اید. همانگونه که خود اشاره کردید: "تنهادریک جو سالم و دموکراتیک از طریق برخورد عقاید گوناگون و تضاد است که حقیقت عیان میگردد و تفکر صحیح راه خود را میگذراند". امیدوارم در این راه هر چه بیشتر موفق و پیروز باشید.

در شماره اخیرتان مطالبی را در رابطه با مسائل پناهندگان سیاسی عنوان کردید. از آنجا که خود نیز یک پناهنده سیاسی آواره از خانه و کاشانه میباشم با پوست و گوشت خود در درآوارگی و مشکلات فراوان ناشی از آن رالمس کرده‌ام، ذکر نکاتی چند در این مورد را لازم و ضروری میدانم. در قسمتی از مقاله "پیرامون وضعیت پناهندگان سیاسی ایران" (مدرج در آزادی ایران شماره ۳) آورده میشود که "پناهندگان سیاسی ایرانی در جهان جز معدود پناهندگانی میباشند که بین آنان تشکل و همبستگی واقعی و صحیح وجود ندارد" سپس در ادامه مقاله پیشنهاد بوجود آوردن کانونی مستقل بوسیله خود

پناهندگان سیاسی مطرح میگردد. البته من نیز موافق این مسئله هستم و متأسفانه نباید گفت که عدم این تشکل واقعی جزء آن عواملی است که باعث میشود برای مثال در گوشه‌ای از جهان (دانمارک) هموطنی دردمند و پناهند مهملت در تقاضای پناهندگی اثر رگهای دست خود را قطع کرده و خودکشی نماید و یا با سوار و مشابه و جانگداز دیگر از جمله خودکشی ۳ پناهنده دیگر... روبرو بودیم و مشکلاتی از این نوع در نقاط مختلف جهان برای هموطنان پناهند ما اتفاق افتاده که ما یا از آن بیخبریم و یا اگر نسبت به این مسائل در دانمارک آگاهی داریم عملی کاری برای بهبود وضع انجام داده‌ایم. اما علیرغم چنین واقعیات تلخ و دردناکی، به نظر من صرفاً پیشنهاد شما در مورد اینکمیاید تشکل واقعی بوجود آید و یا کانونی بوسیله پناهندگان سیاسی که دردمند هستند، تشکیل شود، کافی نیست. باید علل عدم وجود این کانون را بیشتر توضیح داد و زمینه‌های عملی بوجود آوردن آن را فراهم نمود. تنها پیشنهاد دادن دردی را درمان نمیکند! برای نمونه میتوان گفت نظر همه آزادخواهان اینست که باید رژیم خمینی سرنگون گردد و نیروهای آزاد بخواند را این زمینه‌ها هم متحد گردند. اما باید پرسید چرا عملاً چنین رژیم خنایتکاری پس از ۶ سال هنوز به حیات خود ادامه میدهد؟ مسلماً آنچه حائز اهمیت میباشد بوجود آوردن زمینه عملی تحقق این خواسته‌ها است.

من نیز با استقبال از این پیشنهاد شما برای ایجاد کانونی که در جهت دفاع از حقوق صنفی و سیاسی پناهندگان و ایجاد تشکل واقعی در غربت و دوران آوارگی قدم بردارد، نظرم این است که باید واقعیات و موانع موجود را نیز در نظر گرفت. نداشتن

امکانات مالی یکی از موانع جدی انجام این امر میباشد. برای مثال اکثریت پناهندگان سیاسی همانند خود همیشه اوقاتمان را باید صرف کار کردن - البته اگر موفق به پیدا کردن آن بشویم - نمائیم، تا بتوانیم احتیاجات مالی را تا حدی رفع کنیم. از طرفی با مشکلات بیشمار دیگر نیز روبرو هستیم که شما در مقاله مزبور بد رستی گوشه‌ای از آن را بر شمردید. حال چه اندازها ایجاد این کانون میتواند امکان پذیر باشد؟! جای بحث فراوانی است.

نمونه‌ای از مشکلات خانوادگی خود را برایتان ذکر کردیم. فرزند مکه علاقه شدیدی به وطنمان و مسایل سیاسی دارد. بیش از ۲ سال است که از کشور آواره گشته و بعنوان پناهنده سیاسی در فرانسه زندگی میکند. اما واقعیت امر این است که در طی این مدت حتی نتوانسته‌اند نظریه‌ها را بشنوند و آموختن زبان فرانسه و ادامه تحصیلات دانشگاهی خود موفق باشد. چرا؟ زیرا به علل مشکلات بیشمار از جمله مشکلات مالی و عدم آسودگی فکری حتی انجام این امر هم برایش میسر نشده است و از این حقوق طبیعی نیز محروم است. حال اگر امکاناتی برای او امثال او که فراوانند، فراهم باشد، آیا آنان انرژی خود را در راه آزادی ایران و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بکار نمی‌بندند؟ و بطور مشخص تر به همکاری برای ایجاد کانون مستقل پناهندگان دست نمی‌یازد؟ این جراثم موانع و اشکالاتی است که بمنظر من لازم و ضروری است در مورد آن صحبت شود تا بتوان به راه حل عملی در این مورد رسید. با آرزوی تحقق این امر و اتحاد هر چه بیشتر آزادخواهان.

الف - ک

اسفند ۶۳ - پاریس

## نگاهی بر مطبوعات و اعلامیه‌های خارج از کشور

### راز جاودانگی حزب توده در چیست؟

اولین شماره "آرمان" نشریه سازمان جوانان حزب توده حاوی مقاله جالبی است تحت عنوان "راز جاودانگی حزب توده ایران". نویسندگان مقاله پس از اشاره به سنگینی رهبران حزب توده در ۱۷ بهمن ۶۱ و اینکه رژیم "دروغی پرده و دستپنجه‌ها و افتراها، به مهارت و تجربه خود در این هجوم نازیدند، می‌برسد" راز جاودانگی حزب توده را ایران در چیست؟" و در جواب دلایل بسیاری را ارائه می‌دهد. از جمله:

"با حزب توده ایران، شیوه تحلیل، نحوه استدلال، هرگونه نوآوری و نوخواهی در سیاست، اقتصاد، تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی، زبان، هنر و ادبیات هم‌زمان است. حزب توده ایران جلای تاریخ معاصر میهن ما ایران است. کدام تحول مطلق و انقلابی و کدام پشه و بارقه روشن‌گر و راهگشایی است که جامعه را به پیش راند و باشد و نخستین بار توسط حزب توده ایران عرضه نشد باشد... بدینسان روشن است... که حزب توده... به اتکال جهان بینی علمی خود به طاعت پیگیری در رتبه... به سابقه خدمات ماندگار و پریرسن خود به فرهنگ، ادب، هنر و تاریخ این سرزمین... به حرکت مقاومت و پایداری حماسی اش در تمام نبردها... در دل مردم جای گرفت."

براستی این همه تمجید و تعریف حزب توده و رهبری "داهیان‌هاش" را در مقام متوسطی میگذارد که سایر احزاب دنیا از جمله حزب بلشویک برهبری لنین و حزب کمونیست چین و یوگسلاوی و... در مقام بسیار پایین و

نازل تری قرار میگیرند و اگر رهبری حزب توده بدون کم و کاست صحیح، انقلابی و مترقی بود و چرا برخلاف سایر احزاب مترقی در جهان مرتباً شکست خورد است؟ در همین حال این سوال در ذهن هر انسان بیطرف و بی غرضی مطرح میگردد که: آیا بر استسی حزب توده در رهبری مورد و هیچ زمانی اشتباه نکرد است؟ در پایان یک سوال دیگر از جوانان که تجربه نشریه "آرمان" داریم که اگر مطالب گفته شد در مورد راز "جاودانگی حزب توده" آنطوریکه شما ابراز کردید صحیح است چرا رهبران حزب توده در بهمن ۵۷ بدنیال مشتق آخوند ارتجاعی و خائن برافشاندند و رهبری مرد نادان و عقب مانده‌ای، چون خمینی را بدون چون و چرا پذیرفتند؟

### اعتصاب غذا برای خاتمه جنگ

از روز ۲۱ اسفند مطابق ۱۲ مارس ۸۵ جوانان عضو نهضت مقاومت ملی ایران در شهرهای استراسبورگ، وین، هامبورگ و لوس آنجلس برای اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق و درخواست خاتمه جنگ و ایجاد صلح دست با اعتصاب غذا میزنند. سرقتی از اعلامیه‌ای که به همین منظور منتشر شد در باره "اعتصاب غذا ای نامحدود و گفته میشود "جنگ مرگباریکه چهار سال و نیم است بیدنگ ادامه دارد اینک بانقض توافق عدم مبارزان هدفهای غیرنظامی ابعاد تازه‌ای بخود گرفته است. شروتهای انسانی، مالی و آثار هنری را به آتش میکشد و میلیعتد، در حالیکه راه دستیابی بیک صلح شرافتمندانه هموار است ولی اینرا اعتصاب کور، ما اجرا جوش

وقدرت طلبی سد کرد است. رژیم ظالم و ضد ایرانی روح الله خمینی بارها و بارها اعلام داشته است که صلح تن در نخواهد داد، دلیل آن بر کسی پوشیده نیست زیرا این رژیم جنگ را تنها علت وجودی خود میدانند و به همین علت است که تاکنون بر سینه همه مساعی بین المللی در جهت پایان دادن به این فاجعه که نه فقط کشور ما را به ویرانی کشید بلکه صلح و امنیت جهان و منطقه را بمخاطره افکند و دست زد است. مردم ایران با آگاهی باین حقیقت که تعیین سرنوشت ملی بعهد خود آنهاست هر روز امنه مبارزه و مقاومت منفی و مثبت خود را گسترش میدهند و خاصه در این روزهای دشوار در جهات گوناگون عملاً بر ضد این رژیم ضد ملی و سران غیر مسئول آن بحرکت درآمده‌اند.

در پایان اعلامیه درخواست قطع فوری جنگ و قطع مبارزان مناطق مسکونی میشود برخی از شعارهای اعتصاب کنندگان در محل اعتصاب غذا عبارت بود از "ملت ما جنگ نمیخواهد. خمینی قادر باد ادامه جنگ نیست". بدون جنگ رژیم خمینی پایدار نخواهد ماند. اعتصاب غذا در روز ۲۷ اسفند ماه ۶۳ بعد از یک هفته پایان می‌یابد.

### مرگ بوجنگ، زنده باد صلح

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در اعلامیه‌ای به تاریخ ۲۰ اسفند ۶۳ تحت عنوان مبارزان شهرهای ایران و عراق محکوم است. جنگ ایران و عراق را منکوح کرد و در تقسیمی از اعلامیه آمده است:

"رژیم جنایتکار و جنگ افروز جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۱۷



بقیه: نگاه‌های بر مطبوعات و . . .

ایران بنا بر ماهیت ضد خلقی خود و در شرایطی که بایک بحران عمیق و همه‌جانبه مواجه است، رژی می‌کند که مقابل خود نارضایتی عمیق مردم و مبارزات روبه‌گسترش کارگران و زحمتکشان میهنمان را می‌بیند، رژی می‌کند که بقای ننگین خود را در رتد او و جنگ ویرانگر و کشتار مردان و زنان و کودکان در نبال می‌کند، هرگز بنا بر میل خود حاضر به صلح و پایان دادن به جنگ جنایتکارانه ایران و عراق نخواهد شد شما مردم، تنها با گسترش اعتراضات و اقدامات ضد جنگ خود می‌توانید صلح را به رژی می‌کنید. جنایتکار خمینی تحمیل نمائید و در جهت سرنگونی آن گام بردارید ."

**برادر کشی را متوقف کنید!**

چریک‌های فدایی خلق ایران (شاخه کردستان) در اعلامیه‌ای پرمعنی و بالحنی در لس‌آنجلس و حاکی از تازنده تحت عنوان "شیوه حل تضاد های درون خلق قهر آمیز نیست" در رگی‌های بین حزب و مکررات کردستان و کومله را محکوم کرد و خواهان خاتمه جنگ و برادر کشی بین و سازمان عمد در مرکزستان شد است. در اعلامیه پس از نکر تار ریخچه وقایع و رگی‌های مسلحانه بین حزب و مکررات کردستان و کومله آورد می‌شود:

"سیاست‌های کتاکتون چه حزب و مکررات و چه کومله در مقابل یکدیگر پیش گرفته‌اند، از رقابت بر سر "اعمال حاکمیت" تا انکار واقعیت یکدیگر، از نقض و موکراسم و جلوگیری کار تبلیغی تا توسل به وسایل غیر اصولی برای تبلیغ بر علیه دیگری و . . . تنها جو بی اعتمادی و عداوت را بین نیروهای هر دو طرف در آمدن زد است. هر زمان که رگیری مسلحانه بین پیشمرگان بوجود می‌آید، رهبری هر دو جریان در حالیکه از توضیح علل واقعی در رگیری سر باز زده است و یکی دیگری را

مسئول واقعه قلمداد می‌نمود، . . . نوحی اینگونه در رگی‌ها از تائید می‌نمودند. روند رشد این سینه‌ها اینک کار با حائ رسند است که کومه از ضربات به اصطلاح سنگینی که به حزب مکررات وارد ساخته و تنی چند از پیشمرگان کمرستلن را به کلم مرگ کشته است بی محابا بر خود می‌اند و حزب و مکررات با به رخ کشیدن نیروی برتر نظامی خود در حالیکه و نیز مدعی است کومه پیشمرگان اسیر شد را اعدا می‌نموده، اعلام می‌کند که تعرض کومه را بدین جواب نخواهد گذاشت. "در پایان اعلامیه گفته می‌شود: "ضمن محکوم کردن اعدا ام اسرا بوسیله هر نیروی و به هر انگیزه و دلیلی، و ضمن محکوم کردن سیاست تعرض را با تعرض پاسخ دادن "کومه و اقدام اخیر این سازمان سیاست "سراسری کردن جنگ که بوسیله حزب و مکررات، مصرا از کومه و حزب و مکررات می‌خواهیم که بیشتر از این در راه سیاست‌ها فعلی خویش که ثمره‌ای جز گسترش انفعال و تضعیف جنبش ندارد، اصرار نورزند. مطمئنا اگر این دو نیرو و بخواهند، می‌توانند به این در رگی‌های بین هم پایان دهند."

**"اکثریت" و "انقلاب شکوهمند بهمن"**

نشریه "اکثریت" در شماره ۴۴ خود پیامی بمناسبت ششمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن فرستاد که در قسمتی از پیام آمده است:

"آیت الله خمینی و همفکران وی نیز آن زمان در راستای خواسته‌های مردم وعده می‌دادند و می‌گفتند که همواره به شمارهای انقلاب بهمن وفادار خواهند بود" و چند سطر پایین تر اضافه می‌کند: "سران رژیم به قیمت ویرانی کشور و کشتاری امان جوانان و آوار کردن میلیون‌ها تن از هم میهنان ما جنگ با عراق را ادامه می‌دهند. آیت الله خمینی نه تنها از این همه ویرانگری و خونریزی

سیر نشد و دست برداشته است بلکه در آستانه ششمین سالگرد انقلاب بار دیگر به تقدیس جنگ و خونریزی پرداخته و آنرا بعنوان "مرحمت الهی" و "رسالت پیغمبران" ستوده است. با در نظر گرفتن مطالب ذکر شده در پیام "سازمان اکثریت" چند سوال مفید و مختصر مطرح می‌گردد که بجاست آقایان اکثریت بدانها جواب گویند:

- با توجه به اینکه سازمان فدائیان اکثریت از جمله سازمانها و حزایین بود که رهبری انقلابی "آیت الله خمینی" را پذیرفتند و در تحکیم "حاکمیت ارتجاع" نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده‌اند، لطفا توضیح دهند که در این امر تا چه اندازه سهمیه بود و همکاری صمیمانه خود را در سرکوب آزادیخواهان و مکررات چگونه توجیه می‌کنند؟

- شما که اعتقاد به "مارکسیسم-لنینیسم" دارید آیا نمی‌دانستید که "دین افیون مردم است" و ایجاد یک رژیم مذهبی در جهان عموماً راه فاشیسم و دیکتاتوری ختم می‌گردد و آیا شخص خمینی و سایر آخوند های که در ایجاد رژیم جمهوری اسلامی تلاش کردند از همان ابتدا اخائن به ملت ایران نبودند و لبرفداری خود را از یک رژیم مذهبی چگونه توجیه می‌کنید؟

- با در نظر گرفتن اینکه شما هم در "جنگ میهنی" شرکت نمود هاید و پیشاپیش "رزمندگان سپاه پاسداران" به دفاع از میهن مقدس پرداخته‌اید، لطفا بفرمائید که از چه زمانی رژیم خمینی جنگ طلب شد؟ است؟

- لطفا بفرمائید که چه کسانی شعار "سپاه پاسداران را به سلاح سنگین مجهز کنید" را مطرح نمودند و چرا؟

- لطفا توضیح دهید که نقش شما در دستگیریها، لو دادنها، تعقیبها، بازجوییها و شکنجه‌های بیرحمانه و همچنین

بقیه چه کسانی از خندان ایران و...  
 او ان بیماران کردند و با صدای گوش خراش  
 از فراز تهران در ارتفاع کم پرواز نمودند و  
 سپس بسوی کوه‌های بی بی شهریان و جنوب  
 رهسپار شدند، مرد تهران و سایر شهرها  
 متحیر و حیران شاهد پدید آمدن این از تاریخ  
 پرتاب خود شدند. ایران مورد حمله و  
 تجاوز قرار گرفته و مردم مسرعر کشور با چشم  
 خود این واقعیت را میدیدند. همانگونه که  
 در مقابل تسخیر سفارت آمریکا و سقوط  
 دولت آقای بازرگان رژیم مردم را با واقعیتی  
 حیرت انگیز و ناگهانی - که بسیار قبیح  
 برنامه ریزی شده بود - مواجه کرد و مردم  
 مسخ شد مبرکاری " نخست وزیر محبوبشان  
 را بدوین کوچکترین اعتراض پذیرا شدند ،  
 اکنون پرده دیگر نمایش در حال اجرا بود .  
 دشمن خارجی به میهن حمله ور شد و " ایران  
 در خطر بود " ماشین تبلیغاتی ر. ج. ۱۰ با  
 بوق و کرنا بحرکت درآمد . در رادیو و  
 تلویزیون ، روزنامه‌ها ، نمازهای روز جمعه و  
 در مساجد بیان شد : " مسئله اصلی جنگ است "  
 و " هر کس غیر از جنگ مسئله دیگری را اصلی  
 بشمارد ضد انقلاب است " . بدین ترتیب  
 ر. ج. ۱۰ توانست راه گریز از ورطه شدن با  
 مشکلات و مسایل داخلی را پدید آید . اما  
 مسئله بسیار بفرنج تر و پیچیده مترازیسن  
 بود . ارتش یک کشور خارجی به میهن حمله ور  
 شده است ، آیا امکان دارد مردم در شرایط  
 خفقان و سانسوری بمانند در پس پرده  
 میگذرد ؟ متاسفانه سازمانها ، احزاب و  
 گروههای " مترقی " و " پیشرفته " هم در دام  
 " جنگ میهنی " رژیم افتادند و هیچ صدایی  
 بر نخاست تا حقیقت را به مردم بگوید . حال  
 چگونه امکان داشت مردم ، مرد میکه چندین  
 دهه در بیخبری بسربرد و به زندگی غیر  
 سیاسی خونموده ، نسبت به تاریخ و سرنوشت  
 میهن خود بی تفاوت شده و موقعیت استراتژی  
 و سوق الجیشی ایران را فراموش کرد بودند  
 و رژیم هم با خفقان و سانسور و از بین بردن

د مکرسی امکان رشد آگاهی سیاسی را از  
 آنان سلب کرد بود ، از وقایع و حقایق  
 پشت پرده آگاه نشوند ؟ و به توطئه‌ها و  
 نیرنگهای رژیم ببرد و فریب تبلیغاتش را  
 نخوردند ؟ آیا امکان داشت مردم درک کنند  
 که با وجود حمله یک کشور رینگانه به ایران مقصر  
 اصلی ر. ج. ۱۰ است ؟ آیا مردم میتوانند  
 بی برند که رژیم با اعلام " صد و انقلاب اسلام " و  
 عامل و محرک اصلی این جنگ میباشد و این  
 جنگ ، یک " جنگ میهنی " نیست ؟ زیرا  
 زمانیکه رژیم حاکم یک رژیم ضد مردمی و ضد  
 دموکراتیک است ، هرگز نمیتواند در خدمت  
 آرمانهای ملی و آزاد یخواهان مردم ایران  
 باشد . ما امروز بعد از ۲ سال جنگ ، در  
 شرایط دموکراتیک خارج از کشور شایسته  
 بتوانیم مسایل پرابهام و پیچیده و وسال  
 گذشته ، برنامه‌ها و توطئه‌های د قبیح  
 ر. ج. ۱۰ را در جهت منافع یک ابرقدرت  
 خارجی مورد ارزیابی قرار دهیم . اما هنوز  
 چندان از مشکل است تا بتوانیم این مسایل  
 را حتی برای هم میهنان روشنفکر " پیشرفته‌ای  
 که هزارویک ادعاهم دارند تفهیم کنیم . با  
 وجود اینکه بسیاری فکر میکنند از " ماغفیل  
 افتاد هاند " اما نا آگاهند و واقعیات و  
 حقایق بی چون و چرای را که روز بروز چون  
 خورشید از پس ابرهای تیره نمایان میشوند  
 نمی بینند و یا شاید نمیخواهند ببینند .  
 اما آن شیادانی که این واقعیتها را میداندند  
 و مردم را روشن نمیکند ، به سردرگمی  
 اید غولوزیک و امن زد و آنان را گویجتر و  
 سرگردانتر میکنند ، گناه بزرگی و غیر قابل  
 بخششی را مرتکب میشوند . حال وای بحال  
 مردم نا آگاه میهنمان که در خفقان سیاه ر. ج. ۱۰  
 به انتظار " رهبران و تقویسین ها " نشسته‌اند  
 تا آنان از نیرنگها و مردم فریبیهای عسوامل  
 خارجی پرده بردارند و با بیان واقعیتها راه  
 پرپیچ و خم و پراز سنگلاخ را با مشعل حقیقت  
 روشن نمایند . □

بقیه از صفحه ۱۷

## نگاهی بر مطبوعات و...

اعداد امهای آزاد یخواهان و مبارزین چه  
 بود هاست ؟

لطفا توضیح دهید نظر شما درباره  
 حمایت سرسختانه کشورهای مانند سوریه  
 و لبنان در جنگ ایران و عراق و طرفداری  
 شدید و یک جانبه آنان از " حاکمیت ارتجاع " و  
 چگونه توجیه مینمائید ؟

شما حمایت نیکاراگوئه و کوبا  
 از رژیم خمینی و حمایت متقابل و شدیدی  
 ایران از آنان را چگونه تفسیر می‌نمائید ؟

همانگونه که میدانید سازمانها و نیروها و  
 افراد مبارزان انقلابی تنها با انتقاد از خود و  
 بر شمردن " خطاها " و اشتباهات است که  
 رشد کرده و از راست روی و " چپ " روی  
 حدز میکنند . سازمان چریکهای اکثریت  
 هنگامیکه در پایان پیام خود میگوید " سازدن  
 چریکهای اکثریت پیشاهنگ استوار و مطمئن  
 و پیگر کارگران و همه مردم محنتکش ایران است .  
 چگونه است که مانند حزب تود در طول  
 تاریخ خود نه تنها هیچگونه خطا و یا اشتباه  
 یا خیانتی را مرتکب نشد بلکه پیشروترین  
 نیز میباشد . و یا شاید از آن سازمانهای  
 نادری است که از " سرشت ویژه‌ای " ساخته  
 شد و هرگز و هیچوقت اشتباه نمیکند ؟

از آقایان محترم " فدایان اکثریت "  
 کمال امتنان را خواهیم داشت اگر به سوالات  
 فوق پاسخ گویند و ما را روشن و جماعتی را آگاه  
 گردانند . □



## دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمائید:

SAYADI  
 B.P. 211  
 92220 BAGNEUX  
 CEDEX . FRANCE

بقیه از صفحه ۲۰

مرد همایی به مناسبت ...

این کار من درست نیست. اما کانونهای مستقل زنان به رغم همه مشکلاتی که موجود است کارشان این است که چگونه باید یا رگیری کرد. یاد رانتظار نشسته اند که دستش از غیب برون آید و کاری بکند. بسیاری از زنان در ضدیت با جپ یا برید ه از سیاست شده اند. . . . اینها که همسر مسائل در موکراتیک اختلاف ندارند. یکی میگوید فقط از حجاب حرف بزنیم، دیگری میگوید فقط از زن زحمتکش و یا مسئله برسر طلاق را مطرح کنیم. . . . (در صورتیکه) "کانون در موکراتیک که نمیتواند پر محمد ارمبازره طبعاتی باشد." کانونهای مستقل زنان نه تنها کاری نمیتوانند بکنند بلکه خودشان هم محافظه کارانه رفتار میکنند. چون پسو آگاهی نرفتند، دارند همان یا رگیریهارا میکنند. "نیمه دیگر" شماره (۲) را در نظر بگیرید. مصاحبه ای دارد با حجت الاسلام گنجی، پرسشها بمرتب ارتجاعیتر از جوابهای اوست. نه در مورد سنگسار زن، نه در مورد قصاص هیچکدام جرئت نکردند سوال کنند. درست از موضع اسلامی با او برخورد کردند. کدامیک از شما جرئت کردید که مخالفت کنید. . . . حتی وقتی بیسه نقد می نشینید کور کورانها دروغهای تاریخ را تکرار میکنند. ما کجاست رجنیش تنها کوا اعتراض کردیم؟ کجا مادر انقلاب مشروطیت نقش داشتیم؟ بروید کسروی را بخوانید، ببینید زنان چه کردند؟ آیا شما از نباله روی ارتجاعی دفاع می کنید؟ من میخواهم راستش را در مورد ما بگویند. تبعیت کور کورانها در ما تا حدی است که در وقتن اخیر در بیشتر تظاهرات زنان خیلی بیشتر از مردان بود. آیا اینها به زنان آگاهی داد؟ خانم ناطق در ادامه سخنانشان با آوردن چند نمونه دیگر سه تظاهرات اسفند ۱۳۵۸ زنان که علیه حجاب در مقابل داد گستری انجام شدند و در آن ۲۵۰۰ تن به اعتراض پرداختند، اشاره

کردند و این سوال را مطرح نمودند که آیا در سرشت جمهوری اسلامی اصلا آزادی خواهی و آزادی در ادن نهفته است که ما از آن آزادی میخواستیم، یعنی رژیم را به رسمیت می شناختیم. و اضافه کردند همین نامه نوشتن ها و "پد ریزر گوار" خطاب کردن ما را به اینجا کشاند. ما هم این خطاها را کردیم. ما زنان حتی یک شعار همگانی هم درست نکردیم. در تظاهرات و در زنان منتظر بود که فدایی و مجاهد بیایند برای شان شعار درست کنند و نمیدانستند چه میخواهند! اما همه اینها سبب نمیشود و باین معنا نیست که زنان ما تاریخچه مبارزاتی نداشته اند. اگر کور کورانها سروریم، داشته ایم. اگر امروز ما از قره العین یاد میکنیم نه بخاطر اینکه ای بود. . . بلکه بخاطر آنکه و نظریه پردازی جنبش شد. متوجه شد باید با مالکیت جنگید. اهمیت او عملت اینست که علیه و رهای خود عصیان کرد. عصیان فردی علیه خلیفات زمان خود. خانم ناطق سپس در رابطه با تاریخ معاصر و دوران خود مان گفتند: امروز هر کسی از سیاست میبرد به طرفداری از فروغ میبرد. بزرگداشت فروغ باید با نقد او همراه باشد. کارنامه اجتماعی فروغ چندان درخشان نیست. پروین اعتصامی نیز یک بخش است. تاریخ جنبش ما اشرف و هفانی دارد. چرا به قضاوت بیطرفانه در مورد او نپردازیم. من با افکار سیاسی او کار ندارم و از نظر فکری و روش مبارزه چریکی با او مخالفم و اصلا حرفهایش را نمی فهمم ولی برای من مبارزه او بعنوان یک زن که علیه سنن عرفی مرسوم برخاست و در مقابل ظلم و ستم تسلیم نشد و در مقابل شکنجه از خود ضعف نشان نداد قابل احترام است. ایشان در قسمت دیگر سخنانشان اضافه نمودند: نبرد ما در روزی و حاضر در جلوی روی ماست. در مهاجرت نشسته ایم و شاهدیم که چگونه گروههایی برنامها را اجباری دارند. در فمهم سوم است که دارند "صیغه محرمیت" میخوانند. نابودی

اسلام چه اسلام رضا پهلوی، چه اسلام امینی، چه اسلام خمینی و چه اسلام حزب توده و چه اسلام راستین مجاهدین همه یکی است!

اینهاست، نابودی اید ثلویزی اینهاست که فرد ای ما را میسازد نسا زش یا آنها، ننگ بر ما، خجالت دارد. و با اشار به میانیه روز زن که مجاهدین در آن روز تولد "فاطمه زهرا" را روز زن نامیده اند، گفتند: کسان عوام فربیان و در لایان سیاست تا موقعی که آنها بسازید، به هیچ رهایی و آزادی نخواهید رسید. وانگهی امروز مرد هستند که و رهای خودشان را در و ر میریزند و علیه "شهادت" یا علیه منتظاری و . . . جوک در دست میکنند و باین ترتیب میگویند: "هر چه من جاهل هم تو از من هم خترتری".

خانم ناطق در پایان سخنانشان با اشاره به وضعیت زنان بر خود آگاهی آنان تاکید نمود و گفتند: واقعیت است که امروز ستم کشیدترین قشر ما زنان هستند. پس باید زودتر، عمیقتر، دلاورانه تر از دیگران در ریا بند و شناسا باند. اگر امروز یا ر جنگ با رگرانی، با رصفهای نفت و گوشت بردوش آنهاست، باید این مفهوم فلاکت، بحران و درد را بشناسند و عوارض جنگ را بشناسند و در و ستان عزیز من از من ترنحید آنچه که در مورد شما صادق است در مورد من هم صدق میکند. پیکار با اید ثلویزی حاکم یعنی نبرد برای نابودی اسلام، اسلام مجده اسلام رضا پهلوی، جهامینی، جهاسلام خمینی، چه اسلام حزب توده و چه "اسلام راستین" مجاهدین همه یکی است. . . .

پیش شرط رهایی زن مبارزها جهل و خرافات است. باید طرحی نو در اندازیم. □

م - بهزادی



## گردهمایی به مناسبت روز جهانی زن

بنا به پیشنهاد و دعوت کمیته د مکرآتیک زنان ایران بمناسبت بزرگداشت روز جهانی زن با شرکت و همکاری برخی از سازمانها، گروهها و افراد مراسمی در پاریس برگزار شد. هدف از این گرد همایی علاوه بر گرامی داشت روز تاریخی زن، بیان و انعکاس گوشه‌ای از وضعیت و شرایط زندگی زنان ایرانی و طرح مشکلات و مسائلی بود که با آن مواجه هستند. جلسه فوق بینا نگر کوشش مشترکی بود در جهت اعتراض بر علیه تبعیضی که در زمینه‌ها گوناگون بر زنان بطور اعمال میشود و بطور اخص جوهرستی که بر زن ایرانی بویژه در رژیم جمه‌وری اسلامی روا میگردد. مجری این برنامه کمیته د مکرآتیک زنان ایران (پاریس) بود. با تشکر از برگزار کنندگان گرد همایی مزبور بد رح قسمتهایی از آن میبرد ازیم :

این مراسم در تاریخ ۲۲ مارس حدود ساعت ۶/۵ بعد از ظهر آغاز شد که در آن جمعی از علاقمندان حضور یافتند. ابتدا یکی از اعضای کمیته د مکرآتیک زنان ضمن گرامی داشت روز ۸ مارس و توضیحاتی پیرامون تاریخچه آن، به تشریح وضعیت زنان ایران پرداخت و بطور خلاصه تاریخ تاسیس کمیته، اهداف و وظایف فعلی آنرا بیان کرد. فعالیتهایی را که در یکسال گذشته انجام شد مبرشرد. سپس خانم عاطفه گرگین ضمن خواندن یکی از اشعار خود در مورد زن، مطالبی را ذکر نمود. پس از آن یکی از هواداران جناح چپ سابق سخن گفت و سپس خانم همانا طاق رشته کلام را بدست گرفته نکات و مطالبی در مورد مسئله زنان و مشکلاتشان مطرح نمودند. پس از وی افرادی به نمایندگی از طرف سازمان هواداران حزب کمونیست ایران در خارج از کشور (پاریس) و سازمان وحدت کمونیستی و حقوق بشر و پیروان جنبش نوین کمونیستی ایران به ترتیب به بیان نظراتشان حول

موضوع مورد بحث پرداختند. در آخر یکی دیگر از اعضای کمیته زنان اعلامیه ناپروسی را قرائت کرد و توضیحاتی مربوط به تکفلسی که در آئین تشکیل خواهد شد و کمیته نیز در صد در است نمایندگانی بآنجا اعزام نمایند. در اندوا افرادی که بتوانند در زمینه‌های مختلف آنان رایاری رسانند، دعوت به همکاری نمودند. این برنامه با نمایش فیلم "تظاهرات زنان ایران" و فیلم کوتاهی از کردستان در حدود ساعت ۱۰/۵ شب به پایان رسید.

بعلت قابل توجه بود ن مطالب خانم ناطق برای این جلسه که نشانگر طرزینش و صراحت لهجه‌شان در برخورد با مسئله زنان میباشد بخش بعدی این نوشته به سخنان ایشان اختصاص داد شده است. لازم بتذکر است که انعکاس نظرات فوق الزاماً مورد تأیید هیئت تحریریه "آزادی ایران" نیست.

### قسمتهایی از سخنرانی خانم همانا طاق

خانم ناطق ابتدا با تبریک سال نو و اشاره به نوروزی که با جنگ خانمانسوزی همراه است، ضمن ابراز همدردی و همبستگی با مردم ایران، بیان کردند: اگر چه وحدت در شریای کثونی نامیسراست ولی دست کم همدردی و شکیبایی ما ممکن است. . . . رژیم غیر انسانی خمینی میکوشد از ما سلب انسانیت کند ولی بیایید در سال جدید همبستگی انسانی خود مان را حفظ کرد و وسعت بخشیم. وگرنه این شعرا خوان ثالث که میگویید: "عید آمد و ما خانه خود را نتوانیم و . . . در مورد ما صد اقی بیاید. نوشتن عزیز امید وارم اگر نقدی در کار است گله درکار نباشد و ما پروائی از شنیدن نظرات گوناگون نداشته باشیم. و با استناد به مصرع "هر چه میخواهد دل، تنگت بگو" چنین ادامه دادند: گروهها و تشکلهای همگان به اعتراض بر علیه تبعیضهایی که بر زن روا میشود،

بر خاسته اند و برای من فقط طرح چند نکته کوچک باقی نخواهد بود. واقعیتی است که جنبش زنان با پیچیدگیهای فراوانی روبرو است برای مقابله با آن اگر نه اتحاد، دست کم یاری همه نیروهای پیشرو را می طلبد. پس امروز وظیفه ما، نه لا پوشانی است بلکه پاسخ به همه پرسشهایی است که بر سر راه زنان خواهد در رونیک سازمان خواهد در انجمنها و تشکلهای مستقل و . . . وجود دارد. زنان همواره در ناله و روروم عصبانند یسه‌های حاکم بود هاند. سالها در انتظار بود هایتما این از ما بهتران از راه تیم نوازی یاریمان نمایند و فقط بمناسبت هائسی در بیانیه‌های خود مساوات حقوق ما را خواستار شوند. ایشان در ادامه سخنانشان با اشاره به اینکه زنان ما وقتی به جایی میرسند چنان محسوس مقام میشوند که به همه چیز پشت پامینند. به عنوان مثال گفتند: نمونه این قبیل افراد رقیه دانشگری‌ها از سازمان چریکها بود که مکلف شد بعد از ارتقاء مقام طوطی و ارمطالیی را بیان نماید و آخر سر هم با انتخاب یک شوهر اکثریتی تمام مبارزات یاران خود را چنان بفرا موشی سپرد که با حزب تود ه و جمه‌وری اسلامی همصد او همگام شد.

خانم ناطق سپس افزودند کارنامه کانونهای وابسته به حزب از این همدرد است و بعد به وضع کانونهای به اصطلاح مستقل اشاره کردند که در این کانونها صحبت یاد در باره پوشاک ضد خلقی و . . . یا مسائل داخلی این زن و بی آن درومینند. ایشان در انتقاد از تبعیت کورکورانه در مورد زنان بیان کردند: خود من بارها این را گفته ام و تا جایی رفته ام در تبعیت که اعلامیه مربوط به ریاست جمه‌وری طالقانی را نوشتم در حالیکه خود مبه عنوان مورخ میدانستم که بقیه در صفحه ۱۹